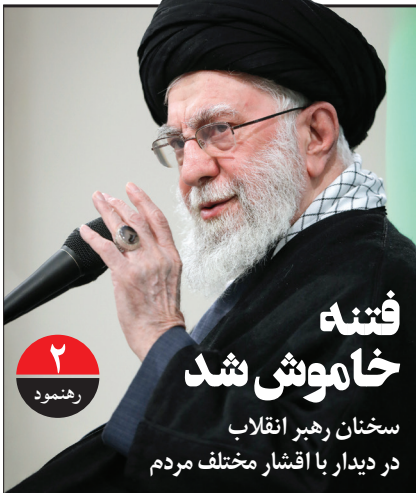


۳  
افقچراغ سبز با شروط  
بررسی تحولات ایران و آمریکا۶  
توسعهمتهم اصلی اعتراض‌ها  
چه کسی کبریت کشید؟۷  
کوچهبرقراری قطره چکانی  
راه اندازی سرویس پیامک۸  
شب‌نامهگزارش دولت چه شد؟  
خوانندهای امروز

## فتنه خاموش شد

سخنان رهبر انقلاب  
در دیدار با اقشار مختلف مردم

۲  
رهشود

سرمقاله

### هشدار فرسایش روانی!

با آزادسازی اینترنت  
زندگی عادی را به جامعه بازگردانید



امیر اقلناعی

عضو شورای مرکزی و معاون اجرایی و هماهنگی دبیرکل  
حزب کارگران سازندگی ایران

بالغ بر ۲۲۰ ساعت (چیزی نزدیک به ۱۰ روز) از قطع -تقریباً- کامل اینترنت در کشور می‌گذرد. قطعی‌ای که می‌توان به عنوان طولانی‌ترین خاموشی زیست مجازی- اجتماعی ایرانیان از ابتدای فراگیری اینترنت در کشور تاکنون از آن یاد کرد.

این خاموشی فراگیر که در نقطه شروع، صرفاً امکان دسترسی به تعدادی از پایگاه‌های خبری با دامنه دات‌آی آر در آن میسر بود و بعد از ۴۸ ساعت نیز تعداد معدودی از اپلیکیشن‌های روزمره و بانکی -همراه با اختلالاتی- در دسترس کاربران قرار گرفت، جامعه ایران را در تنگنای ارتباطی بدیعی فرو برده است. تنگنایی که امکان ارتباط میان شهروندان درون کشور را تا حد بسیار چشمگیری کاهش داده و عملاً سطح تعاملات ساکنان ایران با دنیای خارج را به صفر میل داده است. تاحدی که در طی روزهای گذشته، مردم ایران برای اطلاع از آنچه در پیرامون‌شان می‌گذرد، ناگزیر و البته مختیر! به انتخاب میان دوگانه‌ای شده‌اند که در زمان دسترسی به اینترنت جهانی -هرچند محدود و فیلترشده- یا از آن گریزان بوده و یا جزو اولویت‌های انتخابی‌شان نبوده است و آن دوگانه، چیزی نبوده و نیست جز: دوگانه شبکه‌های صداوسیما ملی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی.

احوال درونی و نوع خبررسانی طرفین این دوگانه که رقابت تنگاتنگی در یکسویه‌نگری یا یکدیگر دارند هم که در این روزگار، بر کمتر شهروند مستقل و حقیقت‌جوی ایرانی پوشیده بوده و هست و شرح حال این مردم بیچاره هم مصداق این مصرع: «از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نیفزود»! که ای کاش اگر بنا بر آرامش جامعه و آسایش مردمان بود، پیش و بیش از هرچیزی، تدبیری برای صیانت روان ایرانیان از این‌سوهان‌های روح و ذهن صورت می‌گرفت، نه برای سلب اختیارشان در انتخاب درگاه‌های کسب اطلاع و حصول آگاهی.

در این بین؛ اغلب کسان و مسئولانی که صحبت از مضرات قطعی سراسری اینترنت در ایران می‌کنند، عمده انتقادات‌شان معطوف و متمرکز بر زیان‌هایی است که به کسب‌وکارها وارد می‌آید و کمتر کسی از منظر هشدار نسبت به مخاطرات «نُپت اجتماعی» ناشی از عدم دسترسی به اخباری که شهروندان به مناب‌عش اعتماد داشته باشند، به این مسئله ورود کرده است. از یاد نبریم که «اعتماد» چیزی نیست که یک‌شبه و دفعتاً پدید بیاید و جلوگیری ناگهانی از دسترسی شهروندان به منابع مورد اعتمادشان -سوی از مبهور شدن آنان در قدم اول- به تسریع فرآیند سلب اعتمادشان نسبت به بانیان امر منجر خواهد شد. لذا؛ نباید از نظر دور داشت که به موازات این فرآیند سلب اعتماد، جامعه خو گرفته با ابزارهای تکنولوژیک رایانه‌ای و مدرن که حتی فرزندان با این ابزارها، جامعه‌پذیر شده‌اند و کهنسالانش برای قرار از تنهایی به همین وسایل پناه برده‌اند، در حال تجربه «فرسایش روانی» ای است که در اثر مزوج شدن با «سوگ جمعی» منبعث از داغ جان‌های عزیز از دست رفته در اعتراضات اخیر، قدرت بالقوه‌ای را برای مبدل گشتن به «خشم عمومی» و قُوران اجتماعی آن داراست.

پس؛ اگر امنیت روانی شهروندان، آرامش جامعه ایران و آسایش زیست مردمان که از اهم وظایف حکمرانی است، برای متولیان اداره کشور دارای اهمیت است، باید هرچه سریع‌تر و بدون فوت وقت، همه‌چیز را به روال عادی برگردانند. علیرغم اینکه محتمل است در این میان، ملامت‌هایی هم از سوی مردم بر سر حاکمان آوار گردد. بازگشت به زندگی عادی و تحقق رویای «برای یک زندگی معمولی» -هرچند با شرایط پیش آمده- کمی سخت می‌نماید، اما بی‌تردید؛ ابتدایی‌ترین و کمترین حق این مردمان شریف و نجیب است.

# درس نمی‌گیریم!

سیدمحمد خاتمی با انتشار بیانیه‌ای مطرح کرد:

مایه تأسف فراوان است که از حوادث گذشته و فهم خواسته‌ها و نارضایتی‌های مردم و از دست دادن فرصت‌های اصلاح، درس نمی‌گیریم. دست‌هایی در کار است تا وانمود کنند همه‌چیز خوب است و اگر اشکالی هست از دولت است



گروه سیاسی: سیدمحمد خاتمی،

رئیس دولت اصلاحات طی بیانیه‌ای در پی ناآرامی‌های اخیر با ابراز تأسف از عدم درس‌آموزی از حوادث گذشته بر شناسایی و اصلاح خطاهای معرفتی و سیاسی در اداره کشور تأکید و از «بازگشت به جمهوریت فراموش شده و اسلامیتی که جمهوریت را با همه ابعاد و لوازم آن می‌پذیرد» به‌عنوان کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین راه برون‌رفت از وضعیت کنونی یاد کرد.

در این بیانیه آمده است: «آنچه این روزها در میهن عزیزمان ایران می‌گذرد به غایت دردآور و نگران‌کننده است. اینک اندوه از دست رفتن جان‌های گران‌سنگ و جراحات‌های جانگزار فرزندان این مرزوبوم بر رنج حاصل از رشد فرآینده فقر و تبعیض و فساد و ناکارآمدی و درماندگی در زندگی و تنگ‌تر شدن روزنه امید به آینده، افزوده است. در جریان حوادث اخیر ورود خشونت عریان، صحنه‌ای که می‌بایست و می‌توانست آغاز مبارکی برای پذیرفتن رسمی حق اعتراض ملت و احترام به شهروندان و حرمت نهادن به نقد حکومت و گسترش گفت‌وگو برای بهبود امور کشور باشد را به سرعت عوض کرد. دور از انصاف است اگر رفتار مدنی دور از خشونت دولت جناب پزشک‌یان با مردم را در روزهای نخستین اعتراض‌های مردمی نادیده بگیریم؛ اما متأسفانه در رخداد‌های پس از آن، خشونت و تخریب نقاط مختلفی از میهن را فراگرفت.

ادامه در صفحه ۲



ادامه تیتیریک

## درس نمی‌گیریم!

اینک در میان جان‌های عزیز از دست‌رفته و انبوه عظیم شهروندان معترض و مستأصل شاهد بروز فجیع‌ترین و خشن‌ترین صحنه‌های انسان‌کشی، سوزاندن و قتل فجیع انسان‌ها، خصومت‌آفرینی و آتش زدن و ویران کردن مکان‌های مذهبی و عمومی و امکانات ملی و مردمی شده‌ایم. این همه، حکایت از حرکتی سازمان‌یافته و حضور گروه‌های آموزش‌دیده و مجهز برای بهره‌گیری سوء از اعتراض به‌حق مردم و نگرانی‌ها و نارضایتی‌های انباشته شده قشرهای مختلف مردم (به‌ویژه جوانان عزیز به‌نفع مقاصد سیاسی خاص) دارد. و شگفتا که دستگاه‌های امنیتی به‌رغم اعمال حساسیت‌های فراوان در همه سطوح، چگونگی از ورود امکانات نظامی، ارتباطی و نیز افراد و جریان‌های مخرب غافل ماندند!

باری جریان سازمان‌یافته این حوادث، گرچه سربازان خود را عمدتاً از میان فرزندان این مرزوبوم گرفته است اما بسا وجود اظهارات صریح مقامات اسرانیلی و حمایت آشکار آمریکا و تهدید به دخالت مستقیم در وضع امروز و آینده کشور، تردیدی در شکل‌گیری یک توطئه بزرگ برنامه‌ریزی شده علیه همبستگی ملی و یکپارچگی ایران به‌جا نمی‌گذارد. داستان هرچه باشد، نتیجه‌ای جز وارد کردن کشور به ورطه‌ای انباشته از خشونت و نفرت و اقدامات کور و ائتلاف منابع انسانی و ملی ندارد. نباید گذاشت که این جامعه و ارزش‌های آن دوقطبی شود تا بدخواهان ملک و ملت بتوانند از شکاف‌ها، تناقضات و حتی تفاوت‌ها و اختلافات، سوء استفاده کنند و ایران را به‌سوی رویارویی‌ها و درگیری‌های خسارت‌بار سوق دهند. آنچه مایه تأسف فراوان است، عدم درس‌آموزی از حوادث گذشته و فهم خواسته‌ها و نارضایتی‌های مردم و از دست دادن فرصت‌های اصلاح و تغییر از سوی حاکمیت است. اکنون فرصت‌ها کوتاه‌تر و بی‌پاسخ گذاشتن مطالبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و انواع نارضایتی‌ها خطرناک‌تر است. اشتباه نشود که نه گفتن مردم به بی‌گانه و دلبستگی آنان به استقلال و تمامیت ارضی به معنی رضایت‌شان از وضع موجود و رویکردهای غالب نیست و اکثریت مردم از وضعیت امروز ناراضی و از آینده کشور نگران هستند. دست‌هایی در کار است تا چنین وانمود کنند که همه چیز خوب است و اشکال از دولت است و مشکلات از آنجا ناشی می‌شود. البته می‌توان به دولت دکتر پرتشکیان نقد داشت که چرا نسبت به وعده‌های اندکی که داده‌اند و مورد استقبال مردم قرار گرفته است، پافشاری ندارد و چرا با وجود تفاهم موجود، دیگر مسئولان را قانع به پاسخ‌گویی به مردم و لاف‌ل حمایت عملی از تحقق وعده‌ها نمی‌کند. یا اینکه آیا دستگاه مدیریت اجرایی برای برنامه‌ریزی و انجام مأموریت‌های خطیر توانا هست یا خیر؟! همه باید بدانیم و می‌دانیم که علاوه بر تحریم و اشاره‌های بیرونی آنچه وضع کنونی کشور را بد کرده است، بسیاری از سیاست‌ها و رویکردهای جاری و اشکالات نهادی و ساختاری است که وجود دارد و نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها را مزمن و فزاینده کرده است. همواره از مردم دم زده می‌شود اما اهتمام به خواست مردم و حقوق آنان و تأمین زندگی مناسب و امن برای آنان به‌گونه‌ای است که بایدوشاید وجود ندارد. اکنون ایران و ایرانیان عزیز نه‌تنها در تنگنا بلکه در وضعیتی بحرانی و خطر قرار گرفته‌اند. بحرانی درهم تنیده که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بین‌المللی و امنیتی پیدا کرده است. امروز اعتماد و همبستگی مردم و حکومت و امید به بهبود و اصلاح امور، با اصرار بر تداوم و بازسازی رویکردها و رویه‌های غلط گذشته و از دست دادن فرصت‌های کم‌هزینه به‌سوی فرسایش و شکنندگی رفته است. بازگشت به جمهوریت فراموش شده و اسلامی که جمهوریت را با همه ابعاد و لوازم آن می‌پذیرد و توسعه توأم با عدالت را محور و مدار سیاست خارجی و داخلی می‌داند و منافع ملی مردم و عزت آنان را رویکرد اساسی خود قرار می‌دهد، کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین راه برای برون‌رفت از وضعیت نگران‌کننده کنونی است و این امر مستلزم تغییرات ساختاری، نهادی و رویکردی در نظام حکمرانی و به رسمیت شناختن حقوق اساسی ملت خواهد بود. در این صورت است که توطئه بدخواهان بیرونی و درونی نقش بر آب خواهد شد، دردها و درماندگی مردم رو به درمان خواهد رفت و شاهد افزایش روزافزون رضایت و اعتماد و مشارکت مردم که بنیاد اقتدار و عزت و عظمت کشور است، خواهیم بود. در این روزهای تلخ همدرد و شریک غم‌ها و نگرانی‌های همه مردم باشیم، خطاهای معرفتی و سیاسی در اداره کشور را به‌درستی بشناسیم و اصلاح کنیم. خشونت را از ذهن‌ها و زبان‌ها برداییم و عمیقاً و عملاً به آینده ایران یکپارچه و توانمند بیندیشیم.

رهبر انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم بیان کردند:

# فتنه خاموش شد



خود بر کشور ماست؛ چراکه کشوری با این وسعت، جمعیت، امکانات و پیشرفت‌های علمی و فناوری آن هم در چنین مرکز حساس جغرافیایی برای آنها قابل تحمل نیست.

رهبر انقلاب سطح مداخلات مقام‌های غربی در فتنه‌های قبلی را غالباً محدود به عناصر مطبوعاتی و سیاسیون درجه دوم برشمردند و افزودند: اما خصوصیت فتنه اخیر این بود که شخص رئیس‌جمهور آمریکا شخصاً در آن دخالت کرد، حرف زد، تهدید کرد و با تشویق فتنه‌گران به آنها پیام داد که جلو بروید، ترسید و ما از شما حمایت نظامی می‌کنیم.

آیت‌الله خامنه‌ای اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا که از تخریب‌گران و آدم‌کش‌ها به‌عنوان ملت ایران یاد کرد را تهمت‌ی بزرگ به ملت خواندند و گفتند: رئیس‌جمهور آمریکا آشکارا فتنه‌گران را تشویق کرد و در پشت صحنه هم، آمریکا و رژیم صهیونیستی کمک‌هایی به آنها کردند؛ بنابراین ما رئیس‌جمهور آمریکا را مجرم می‌دانیم، هم به‌خاطر تلفات و خسارت‌ها و هم به علت تهمت‌ی که به ملت ایران زد. ایشان در تبیین جنس عوامل میدانی فتنه، گفتند: عوامل فعال در صحنه دو دسته بودند؛ یک دسته که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل با دقت انتخاب کرده بودند و علاوه بر پول هنگفت، به آنها درباره مسائلی از قبیل چگونگی حرکت، آتش زدن، ایجاد ترس و فرار از دست پلیس آموزش داده بودند، که تعداد زیادی از این عوامل خبیث و مجرم با کار خوب نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شده‌اند. ایشان دسته دوم از عوامل میدانی فتنه را نوجوانان و جوانانی تحت‌تأثیر دسته اول دانستند و افزودند: این دسته با رژیم صهیونیستی یا دستگاه‌های جاسوسی ارتباطی نداشتند بلکه افراد خامی بودند که سردهسته‌ها آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دادند و با ایجاد هیجان، دست به کارها و شیطنت‌هایی زدند که نباید می‌زدند. رهبر انقلاب افزودند: اینها پیادمنظام و مأموریت‌شان، حمله به اماکن، منازل، ادارات و مراکز صنعتی بود و متأسفانه «عوامل نادان و ناآگاه» با سردستگی «عوامل خبیث و آموزش‌دیده» کارهای بد و جنایات بزرگ و زیادی همچون تخریب ۲۵۰ مسجد، تخریب بیش از ۲۵۰ مرکز آموزشی و علمی و آسیب زدن به مراکز صنعت برق، بانک‌ها، مجموعه‌های درمانی و فروشگاه‌های ارزاق عمومی انجام دادند و با آسیب زدن به مردم، چند هزار نفر از آنها را به قتل رساندند.

ایشان با اشاره به اقدامات به‌شدت غیرانسانی و کاملاً وحشیانه، همچون محصور کردن و زنده سوزاندن تعدادی از جوانان در یک مسجد و یا کشتن دختر ۳ ساله و مرد و زن بی‌دفاع و بی‌گناه، خاطر نشان کردند: این کارها بخشی از نقشه از پیش آماده شده فتنه بود و آنها مجهز به سلاح سرد همچنین سلاح‌های گرم بودند که از خارج کشور وارد و بین عناصر فتنه برای انجام چنین جنایاتی توزیع شده بود.

### شکستن کمر فتنه با وحدت

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه ملت ایران کمر فتنه را شکست، گفتند: ملت ایران با حرکت میلیونی خود در روز ۲۲ دی، این روز را به روزی تاریخی در کتاب افتخارات فراوان خود تبدیل کرد و با کوبیدن مشتی محکم بر دهان پرگویی مدعیان، فتنه را خواباند. ایشان، بزرگ‌نمایی جمعیت معدود فتنه‌گران در مطبوعات و خبرگزاری‌های جهانی وابسته به

صهیونیست‌ها و در مقابل، انکار و یا کوچک‌نمایی جمعیت عظیم مردم ایران در ۲۲ دی را ناشی از عادات همیشگی آنها خواندند و گفتند: واقعیت با این کارها تغییر نمی‌کند. واقعیت همان است که ملت به چشم خود در تهران و شهرهای دیگر مشاهده کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای شکست آمریکا به‌دست ملت ایران در فتنه اخیر را در ادامه شکست آمریکا و صهیون در جنگ ۱۲ روزه برشمردند و گفتند: آنها این فتنه را با مقدمات فراوان برای کارهای بزرگ‌تر راه انداختند که البته ملت فتنه را خاموش کرد اما این کافی نیست و آمریکا باید پاسخگوی اقدامات خود باشد. ایشان دستگاه‌های مسئول ازجمله وزارت امور خارجه را موظف به پیگیری جرائم اخیر آمریکا دانستند و گفتند: ما کشور را به سوی جنگ نمی‌بریم اما مجرمان داخلی و بدتر از آنها مجرمان بین‌المللی را رها نمی‌کنیم؛ این کار باید با شیوه‌های خود و روش درست دنبال شود.

رهبر انقلاب تأکید کردند: به توفیق الهی، ملت ایران همانطور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکند. ایشان در بخش پایانی سخنان‌شان با اشاره به جانفشانی و فداکاری شبانه‌روزی مسئولان و نیروهای انتظامی، امنیتی، سپاه و بسیج در مبارزه پیروز با فتنه آمریکایی-صهیونی افزودند: مسئولان کشور همگی همکاری کردند و ملت نیز حرف آخر را زد و با وحدت خود، کار را به‌طور قاطع تمام کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با تکرار توصیه همیشگی مبنی بر حفظ وحدت بین مردم، گفتند: دعوای جناحی، سیاسی و خطی نباید بین مردم رواج یابد و همه باید در دفاع از نظام اسلامی و ایران عزیز با هم و در کنار هم و یکی باشیم. ایشان با اشاره به تلاش‌های مسئولان بخش‌های مختلف و فعالیت رئیس‌جمهور و دیگر رؤسای کشور در وسط میدان، افزودند: نباید اینگونه باشد که برخی با بی‌اطلاعی از فعالیت‌ها صرفاً ایراد بگیرند؛ من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در چنین شرایط مهم بین‌المللی و داخلی اهانت شود به‌شدت پرهیز می‌دهم و افرادی که ممکن است در مجلس یا بیرون از آن باشند را از این کار نهی و منع می‌کنم.

### قدرتانی از رئیس‌جمهور و مسئولانی که در کنار مردم قرار دارند

رهبر انقلاب با تأکید بر قدرتانی از مسئولانی که در وقت چنین حادثه‌ای برای کشور، در میدان و در کنار مردم قرار دارند، گفتند: در گذشته گاهی مسئولانی بودند که از میدان و مردم کناره می‌گرفتند یا حتی علیه مردم حرفی هم می‌زدند اما این بار مسئولان در کنار مردم و با مردم حرکت کرده و با همان هدف، تلاش کردند که از این روحیه باید قدرشناسی شود. آیت‌الله خامنه‌ای با توصیه مؤکد به اینکه بگذارید، شخص رئیس‌جمهور و دیگر رؤسای قوا کار و تلاش خود و خدمت بزرگی که برعهده دارند را انجام دهند، افزودند: البته وضع اقتصادی وضع خوبی نیست و معیشت مردم واقعاً مشکل دارد؛ مسئولان دولتی باید در بعضی بخش‌ها همچون «تأمین کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی» و تأمین ارزاق و کالای مورد نیاز مردم با جدیت بیشتر و دو برابر همیشه کار کنند که اگر مردم و مسئولان به وظایف خود درست عمل کنند، پروردگار حتماً به کار برکت خواهد داد.

# جولانی در کنار کردها؟

## کردی، زبان ملی و نوروز، تعطیل رسمی اعلام شد

**گروه بین‌الملل:** رئیس دولت سوریه، زبان کردی را به‌عنوان زبان ملی به رسمیت شناخته و نوروز را به‌عنوان تعطیل رسمی اعلام کرد. این تصمیم پس از دهه‌ها درگیری و تنش‌های قومی، حقوق ملی کردها را به‌طور رسمی به رسمیت می‌شناسد. احمد الشرح (الجولانی)، رئیس دولت موقت سوریه، شامگاه با صدور فرمانی تاریخی، زبان کردی را به‌عنوان «زبان ملی» کشور به رسمیت شناخت. این فرمان همچنین اعلام کرد که نوروز، جشن سال نو کردی به‌عنوان یک تعطیلات رسمی با حقوق کامل برای تمامی کارمندان در نظر گرفته می‌شود.

براساس این تصمیم، زبان کردی به‌عنوان زبان ملی به‌طور رسمی در کنار زبان عربی شناخته می‌شود و تدریس آن در مدارس مناطق کردنشین سوریه مجاز خواهد بود. این تغییرات اولین بار از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ است که به‌طور رسمی حقوق ملی و زبانی کردها از سوی دولت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شود. رئیس دولت موقت سوریه در این فرمان تأکید کرد که کردها «بخشی اساسی و جدایی‌ناپذیر از ملت سوریه» هستند و هرگونه تبعیض قومی یا زبانی ممنوع است. همچنین دولت سوریه متعهد به تنظیم پیام‌های رسمی خود براساس «همبستگی ملی فراگیر» شد و اعلام کرد که

برای تحریک به تنش‌های قومی، مجازات‌هایی در نظر گرفته خواهد شد. این اقدام رئیس دولت موقت سوریه در حالی انجام گرفت که از ابتدای سال جاری میلادی، مناطق واقع در حومه شرقی حلب در نزدیکی مناطق تحت سیطره قسد در شمال شرق سوریه، صحنه درگیری‌های شدیدی میان نیروهای دموکراتیک سوریه و نیروهای وزارت دفاع دولت موقت سوریه بود. این درگیری‌ها پس از آن صورت گرفت که دمشق از قسد خواسته بود تا از امکان استقرار خود در این مناطق به سمت شرق فرات خارج شوند. در همین راستا «مظلوم عبدی»، فرمانده نیروهای سوریه دموکراتیک روز جمعه از تصمیم خود برای خارج کردن نیروهایش از مناطق درگیری در شرق حلب در صبح شنبه خبر داد. این مناطق در روزهای گذشته، صحنه درگیری‌های شدیدی بوده و قرار است آنها مجدداً در مناطق شرق فرات مستقر شوند. عبدی عنوان کرد، این تصمیم بنا به درخواست کشورهای دوست و میانجیگران و به‌منظور اعلام حسن‌نیت در تکمیل فرآیند ادغام و تعهد به اجرای بندهای توافقنامه دهم مارس اتخاذ شده است. منابع محلی در سوریه پیش‌تر گزارش کردند که وزارت دفاع دولت موقت سوریه در میانه درگیری‌های شدید پایگاه‌های قسد را در «دیر حافر» واقع در حلب بمباران کردند.



فرماندهی‌های نظامی قسد در دیر حافر در حومه شرقی حلب برگزار شد. وال‌استریت ژورنال نیز قبل‌تر در گزارشی نوشت «جی دی ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا ضمن تهدید جولانی به اعمال مجدد تحریم‌های سزار علیه سوریه از وی خواسته است تا از هرگونه عملیات نظامی علیه نیروهای قسد خودداری کند. این منبع همچنین به نقل از مقام‌های آمریکایی نوشت، واشنگتن نگرانی‌هایی نسبت به گسترش اقدامات جولانی علیه قسد با حمایت ترکیه داشته است. همچنین «تام باراک»، فرستاده ویژه ایالات متحده در سوریه، روز جمعه تأیید کرد که کشورش با همه طرف‌ها در سوریه در تماس است و برای جلوگیری از تشدید تنش و از سرگیری مذاکرات ادغام بین دولت سوریه و نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) تلاش می‌کند.

وزارت دفاع سوریه همچنین با استقبال از عقب‌نشینی نیروهای قسد در مناطق درگیری در غرب فرات گفت، تکمیل اجرای خروج قسد با تمام تجهیزات و نیروها به سمت شرق رود فرات را با دقت دنبال می‌کند. این وزارتخانه افزود، یگان‌های ارتش به‌منظور تأمین امنیت مناطق خروج قسد و اعمال حاکمیت دولت در این مناطق مستقر خواهند شد. در همین راستا یک منبع نظامی سوریه به الجزیره گفت، بمباران علیه پایگاه‌های قسد در منطقه دیر حافر واقع در حومه شرقی حلب متوقف شده است. همزمان با خروج نیروهای دموکراتیک سوریه «قسد»، ارتش این کشور کنترل کامل شهر دیر حافر در حومه شرقی حلب را به دست گرفت. پیش‌تر الجزیره گزارش داد، نشست میان نیروهای ائتلاف بین‌المللی تحت امر آمریکا و

### دیپلماسی

## چراغ سبز با شروط چهارگانه

### بررسی تحولات ایران و آمریکا



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

درحالی که روابط تهران- واشنگتن به اوج تنش‌ها رسیده و در یک قدمی درگیری تازه پس از جنگ ۱۲ روزه است، استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ، در اظهارنظری تازه بیان کرد که واشنگتن دیپلماسی با ایران را ترجیح می‌دهد و هرگونه توافق احتمالی میان طرفین شامل چهار مسئله اصلی در زمینه نقش منطقه در ایران، توان موشکی و برنامه هسته‌ای آن خواهد بود. ویتکاف گفت که توافق دیپلماتیک احتمالی با ایران در برگیرنده چهار موضوع، ازجمله

«غنی‌سازی هسته‌ای، موشک‌ها و لزوم کاهش موجودی آنها، مواد هسته‌ای که ایران واقعاً آن را در اختیار دارد که حدود ۲ هزار کیلوگرم غنی شده تا خلوص بین ۳.۶۷ درصد و ۶۰ درصد و آنچه نیروهای نیابتی خوانده می‌شود، خواهد بود».

او در اظهاراتسی مدعی شد که ایران احتمالاً به دلیل شرایط سخت اقتصادی حاضر به مصالحه بر سر این چهار مسئله خواهد شد. ویتکاف گفت: «اگر آنها مایل باشند به جامعه ملل بازگردند، ما می‌توانیم تمامی این چهار مشکل را با دیپلماسی حل کنیم که راهکار بسیار خوبی خواهد بود. راهکار جایگزین بد است». این تحولات درحالی رخ می‌دهد که روزنامه

وال‌استریت ژورنال به نقل از مقامات عربی و اروپایی مدعی شد: سیدعباس عراقچی، وزیرخارجه کشور با آمریکایی‌ها در تماس است و درصدد است، ملاقاتی با ویتکاف در داووس داشته باشد اما هنوز این اتفاق نیفتاده است. اظهارات ویتکاف درحالی مطرح می‌شود که پیش‌تر ایالات متحده این شروط را برای مذاکره با ایران اعلام کرده بود. با این حال به گفته مقام‌های کشور، ایران حاضر به از سرگیری دیپلماسی در موضوع برنامه هسته‌ای خود است و هرگونه دیکته و مذاکره با نتایج از پیش تعیین شده را نمی‌پذیرد. این دیپلمات ارشد آمریکایی در ادامه همچنین درباره تحولات اخیر در ایران مدعی شد: «ما چهارشنبه با ایرانی‌ها در ارتباط بودیم و یکی از نگرانی‌های ما کشتارها و اعدام‌هایی بود که در راه است و اکنون متوقف شده است». ترامپ نیز با انتشار پیامی در تروث سوشال نیز در این رابطه نوشت: دونالد ترامپ نوشت: من عمیقاً به این واقعیت احترام می‌گذارم که تمام اعدام‌های برنامه‌ریزی شده که قرار بود، انجام شوند (بیش از ۸۰۰

مورد از آنها) توسط ایران لغو شده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در سخنانی در پاسخ به این سوال که آیا اسرائیل و سران کشورهای عرب منطقه او را متقاعد کرده‌اند که ایران را هدف قرار ندهد، گفت: «احدی مرا متقاعد نکرد. من خودم را متقاعد کردم».

در همین راستا و به نوشته وال‌استریت ژورنال، مقامات آمریکایی می‌گویند به ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا توصیه شده است از انجام دادن یک حمله نظامی بزرگ علیه ایران پرهیزد، چراکه این اقدام نه‌تنها منجر به فروپاشی نظام حاکم بر آن نخواهد شد بلکه خطر بروز درگیری گسترده‌ای در غرب آسیا را به همراه دارد. طبق این گزارش به ترامپ توصیه شده که آمریکا هم به‌منظور انجام دادن حمله‌ای در مقیاس گسترده و هم حفاظت از نیروهای آمریکایی در منطقه و



متحدانی مانند اسرائیل در صورت تلافی ایران به توان نظامی بیشتری در غرب آسیا نیاز خواهد داشت. خبرگزاری رویترز نیز گزارش داد که چهار کشور عربستان سعودی، قطر، عمان و مصر طی روزهای اخیر در تلاش برای میانجیگری به‌منظور کاهش تنش‌ها میان ایران و آمریکا و جلوگیری از به‌وقوع پیوستن تهدید حمله نظامی آمریکا به ایران و پاسخ تلافی‌جویانه تهران بوده‌اند.

البته این تحولات تا فضای میدانی در منطقه و تحرکات پشت‌پرده در آمریکا چندان منطبق نیست. خبرهایی جسته گیز ریخته از اعزام ناوگروه ضربتی آبراهام لینکلن به منطقه شنیده می‌شود. دیوید بارنیا رئیس موساد نیز برای دیدار با مقامات آمریکا به این کشور سفر کرده و هم‌زمان لیندسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه نیز به اسرائیل سفر کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز در روزهای اخیر با ترامپ دومین گفت‌وگوی تلفنی خود را انجام داده است. به باور ناظران این تحرکات نشان می‌دهد که گزینه نظامی همچنان از

دستورکار دولت آمریکا خارج نشده است.

در این بین روزنامه تل‌گراف در تحلیلی درباره عقب‌نشینی رئیس‌جمهور آمریکا از تهدید خود برای مداخله نظامی در ایران خاطرنشان کرد که توان دفاعی ایران به‌ویژه ظرفیت موشکی این کشور عامل اصلی تعلل ترامپ در عمل به تهدیدش بوده است. به نوشته این روزنامه ازجمله مهم‌ترین ذخایر آن، موشک‌های کوتاه‌برد است که توانایی حمله به اهداف نظامی ایالات‌متحده در قطر، بحرین، امارات‌متحده‌عربی، کویت، عمان و عربستان سعودی را دارند. در این میان، اگرچه ایالات متحده سامانه‌های پاتریوت در غرب آسیا دارد اما آنها برای فاز پایانی خط سیر موشک طراحی شده‌اند، یعنی زمانی که به هدف نزدیک می‌شوند. آمریکا برای کاهش این تهدید ترجیح می‌دهد که ناو جنگی و جت‌های جنگنده بیشتری در منطقه داشته باشد.

### تصمیم آمریکا چیست؟

وضعیت روابط ایران و آمریکا پس از جنگ ۱۲ روزه و اعتراضات اخیر در کشور هنوز متشنج به‌نظر می‌رسد و دولت آمریکا پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، سیاست فشار حداکثری را با شدت بیشتری از گذشته ادامه می‌دهد. برخی ناظران معتقدند که ترامپ عملیاتی سریع و ضربتی را علیه ایران به کار خواهد گرفت و برخی به سیاست‌های دولت او در قبال ونزوئلا اشاره می‌کنند. وضعیت کنونی از جهاتی به روزهای قبل از جنگ ۱۲ روزه و حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای می‌ماند. در دوره‌ای که مذاکرات غیرمستقیم بین تهران و واشنگتن بر سر موضوع هسته‌ای برقرار بود اما در نهایت با یک طرح فریب به کشور حمله شد.

ترامپ که خود با وعده پایان به جنگ‌های بی‌انتها به کاخ سفید وارد شد اکنون رویاهایی برای خاورمیانه با همکاری اسرائیل دارد. رئیس‌جمهور آمریکا به‌خوبی به پیامدهای فراگیر جنگ منطقه‌ای در صورت هرگونه تجاوز به خاک ایران آشناست و ترجیح می‌دهد اکنون گزینه نظامی را به کار نگیرد. رویکرد او نسبت به ونزوئلا و ریاست‌جمهوری دلسی رودیگر حاکی از رویکرد کلی کاخ سفید به اوضاع داخلی کاراکاس است. شاید در صحبت‌های اخیر ترامپ کد جالبی نهفته باشد، زمانی که پیش از سفر به فلوریدا درباره عدم حمایت از رهبری ماچادو به جای مادورو گفت: «اگر یادتان باشد در جایی به‌نام عراق، همه را برکنار کردند، هر کسی را، پلیس، ژنرال‌ها، همه را و در نهایت داعش به‌وجود آمد. من این را به یاد دارم».

### اروپا

## خروج فرانسه از ناتو؟

### شکاف فرا‌اتلانتیکی عمیق می‌شود

رسانه‌های آلمانی گزارش می‌دهند که احتمال خروج فرانسه از ناتو، که قبلاً غیرممکن تلقی می‌شد، اکنون با افزایش تردیدها در مورد نقش ایالات متحده و آینده این اتحاد، روی میز است. روزنامه آلمانی «برلینر تسلیتونگ» در گزارشی نوشت: «آنچه مدت‌ها شایعات سیاسی تلقی می‌شد، ناگهان وارد عرصه امکان شده است: خروج فرانسه از ناتو. یک ابتکار پارلمانی خواستار قطع روابط با این اتحاد نظامی غربی در زمانی حساس است که با افزایش پرسش‌ها در مورد نقش ایالات متحده و آینده این اتحاد مشخص می‌شود». «کلمانس گیت» نایب‌رئیس مجلس ملی فرانسه و عضو حزب چپ‌گرای «فرانسه تسلیم‌ناپذیر» به این روزنامه گفت که عضویت فرانسه در یک اتحاد نظامی به رهبری قدرتی «که آشکارا خود را در برابر قوانین بین‌المللی قرار می‌دهد، می‌تواند پاریس را به درگیری‌هایی بکشاند که با منافع، اصول و تعهدات بین‌المللی آن در تضاد است». این سیاستمدار فرانسوی پیش از این اعلام کرده بود که قصد دارد، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای خروج فرانسه از ناتو ارائه دهد. او همچنین از سیاست‌های آمریکا، به‌ویژه تعاملاتش با «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا و قصد واشنگتن برای الحاق گرینلند انتقاد کرد. علاوه بر این، او از حمایت آمریکا از اسرائیل در طول جنگ در نوار غزه انتقاد کرد. این طرح در بنبوحه رویکرد آمریکا در اشغال گرینلند صورت می‌گیرد و به باور ناظران هرگونه اقدام ایالات متحده علیه آن به منزله فروپاشی و پایان ائتلاف قرار می‌گیرد. وزیر دفاع بلژیک به‌تازگی هشدار داد، اتحادیه اروپا قادر به شکست آمریکا در گرینلند نیست اما این اتحادیه «روش دومی» در نظر دارد. با این حال «استیون میلر»، معاون رئیس کارکنان کاخ سفید گفت: با احترام، دانمارک کشوری کوچک با اقتصادی کوچک و یک ارتش کوچک است. وی ادامه داد: آنها نمی‌توانند از گرینلند محافظت کنند. بنابراین از ما می‌خواهند که صدها میلیارد دلار صرف دفاع از سرزمینی برای آنها کنیم که ۲۵ درصد بزرگ‌تر از آلاسکا با هزینه صددرصد آمریکایی است اما درحالی که ما این کار را انجام می‌دهیم، آنها می‌گویند که جزیره صددرصد متعلق به دانمارک است.



ویترین: تازه‌های نشر

## تاریخ به‌مثابه تابلوی هشدار

**لیدل هارت در چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟**

**به اهمیت و ارزش مطالعه تاریخ می‌پردازد**

چگونه می‌شود از تاریخ درس گرفت و تاریخ چه درسی می‌تواند به ما بدهد؟ کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟»، با عنوان اصلی Why dont we learn from history، کتابی است دربارهٔ این موضوع. بی. ایچ. لیدل هارت، که هم تاریخ‌دان و مخصوصاً وارد به تاریخ نظامی بود و هم تجربهٔ حضور در جنگ را داشت، در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟»، با استفاده از تجربه‌ها و مطالعات و دانسته‌های تاریخی خود، به ما می‌گوید که مطالعهٔ تاریخ و آگاهی به آن، چگونه می‌تواند جوامع و دولت‌ها را از تکرار خطاهای گذشتگان بازدارد و جهانی بهتر را رقم زند. لیدل هارت متخصص تاریخ نظامی و در ایسن زمینه مجرب و کارآزموده بود، پس جای تعجب نیست اگر در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟»، ضمن پرداختن به جنبه‌های گوناگون تاریخ که می‌تواند چراغ راه آینده باشد، بر تاریخ نظامی و پدیدهٔ جنگ تأکید و تمرکزی خاص‌تر دارد. متن اصلی کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» اولین بار در سال ۱۹۴۴ منتشر شد اما لیدل هارت بعدها آن را بازبینی کرد و تغییراتی در آن داد. متن بازبینی‌شدهٔ کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» که به بنا به آن‌چه در مقدمهٔ شهاب‌الدین عباسی بر ترجمهٔ فارسی این کتاب آمده اساس کار مترجم در ترجمهٔ فارسی بوده است، اولین بار در سال ۱۹۷۲، یعنی بعد از مرگ نو پسنده، به چاپ رسید.

**دربارهٔ نویسنده و مترجم**

سِر باسیل هنری لیدل هارت (Sir Basil Henry Liddell Hart)، معروف به بی. ایچ. لیدل هارت (B. H. Liddell Hart)، متولد ۱۸۹۵ و درگذشته به سال ۱۹۷۰، سرباز، مورخ و نظریه‌پرداز نظامی اهل بریتانیا بود. لیدل هارت نو پسندهٔ مجموعه‌ای از کتاب‌های تاریخی و نظری نظامی بود. نظریات نظامی او بر استراتژیست‌ها تأثیر داشت و گفته می‌شود که استراتژی آلمان در جنگ جهانی دوم متأثر از آثار لیدل هارت بوده است.

لیدل هارت خود تجربهٔ حضور در جنگ جهانی اول، به‌عنوان سرباز داوطلب، و زخمی شدن و آسیب دیدن در این جنگ را داشت. او هم‌چنین با روزنامه‌های مختلف، از جمله «دیلی تلگراف» و «تایمز»، به‌عنوان خبرنگار نظامی، هم‌کاری می‌کرد. نوشتن تاریخچه‌هایی دربارهٔ شخصیت‌های مهم نظامی از دیگر فعالیت‌های او بود. از آثار بی. ایچ. لیدل هارت می‌توان به کتاب‌های «شیخ ناپلئون»، «لورنس در عربستان و پس از آن»، «جنگ جهانی اول در طرح کلی» و «تاریخ جنگ جهانی (۱۹۱۸-۱۹۱۴)» اشاره کرد. کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» بر ترجمه و مقدمهٔ شهاب‌الدین عباسی در انتشارات مان کتاب منتشر شده است.

شهاب‌الدین عباسی، متولد ۱۳۴۵، مترجم، مؤلف و پژوهش‌گر ایرانی است. عباسی مترجم کتاب‌هایی متنوع در زمینهٔ اندیشه و ادبیات و علوم انسانی، در حوزهٔ بزرگسالان و کودک و نوجوان، است. «آلبرت اینشتین»، «آری به زندگی»، «دور دنیای فلسفه در هشت روز»، «پسری با تخیل وحشی (داستان زندگی گابریل گارسیا مارکز، برنده‌ی جایزه نوبل ادبیات)» و «دربارهٔ معنی زندگی» از جمله ترجمه‌های شهاب‌الدین عباسی هستند. او هم‌چنین نویسنده و گردآورندهٔ کتاب «آکامی عشق (شمس و مولوی: زندگی، اندیشه‌ها و قصه‌ها)» است.

**پیشگیری از تکرار خطاهای تاریخی**

بی. ایچ. لیدل هارت در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» به‌شیوه‌ای مختصر و مفید ما‌حصل تجربه‌ها و اندوخته‌ها و آموخته‌های خود از تاریخ را در اختیار ما می‌گذارد. هدف هارت اس‌ما در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» از پرداختن به تاریخ، نه ارائهٔ صرف اطلاعاتی از رویدادهای تاریخی، بلکه کاوش در چندوچون این رویدادها و چگونگی و چرایی وقوع آن‌ها، به‌قصد پیش‌گیری از تکرار خطاهای تاریخی، است. هارت در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» از موضوعاتی چون ارزش تاریخ و اهمیت تاریخ نظامی و شیوهٔ مواجهه با تاریخ و نیز از حقه‌ها و فریب‌های سیاسی‌ای سخن می‌گوید که دیکتاتورها و سیاستمداران اقتدارگرا مردم را به‌کمک آن‌ها به پشتیبانی از خود برانگیخته‌اند. کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» چگونگی به قدرت رسیدن دیکتاتورها و نظام‌های تمامیت‌خواه و نحوهٔ جلب افکار عمومی از جانب آن‌ها را بر‌ملا می‌کند و هم‌چنین از سازوکار دیکتاتوری و اقتدارگرایی و دستاویزهای آن برای حفظ قدرت سخن می‌گوید. در کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» هم‌چنین از مسألهٔ جنگ سخن رفته است و از این‌که سیاست‌های مبتنی بر میان‌ووری چه اهمیتی در تاریخ دارند. با خواندن کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» توان این را پیدا می‌کنیم که جهان امروز و مسائل آن را در چشم‌اندازی تاریخی قرار دهیم، به گذشتهٔ درازمدت تاریخی جهان رجوع کنیم، اشتباهات تاریخی را که منجر به فاجعه و آسیب شده‌اند بیابیم و دریابیم که آن اشتباهات چرا و چگونه رخ داده‌اند و چطور می‌شود از تکرارشان جلوگیری کرد.

کتاب «چرا از تاریخ درس نمی‌گیریم؟» از سی‌وشش فصل که در سه بخش، به نام‌های «تاریخ و حقیقت»، «حکومت و آزادی»

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

## ناسیونالیست ایرانی

**یادی از احمد تفضلی به پاس ۳۰ سال کوشش درحوزهٔ ادبیات و زبان‌های باستانی**

استادان مستقیم او در ایران می‌توان از استاد عبدالعظیم قریب، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، ابراهیم پورداود، دکتر معین، دکتر خانلری، دکتر صفا و هم‌چنین دکتر کیا و دکتر یارشاطر نام برد. او هم‌چنین همیشه با احترامی شایسته از مجتبی مینوی، عباس زریاب خویی و محمدتقی دانش‌پژوه به عنوان استادان غیرمستقیم خود یاد می‌کرد. از میان استادان خارجی او می‌توان به هنینگ، مری یویس، مکنزی، بیوار، بنونیست و دومناش اشاره کرد.

برخی از آثار او عبارتند از: واژه‌نامهٔ مینوی خرد ۱۳۴۸، ترجمهٔ مینوی خرد چاپ اول ۱۳۵۴/ چاپ دوم ۱۳۶۴، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ‌افسانه‌ای ایران (کتاب) جلد ۱و۲ از آرتور کریستن سن با همکاری ژاله آموزگار (ترجمه و تحقیق) ۱۳۶۴(و۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران از جان هینلز (ترجمه) با همکاری ژاله آموزگار، اسطوره زندگی زرتشت با همکاری ژاله آموزگار، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن با همکاری ژاله آموزگار.

**ارزش و اهمیت تفضلی**

برای شناخت اهمیت کار احمد تفضلی باید اشاره کرد که زبان و ادبیات ایران در مقاطع مختلف وضعیت‌های متفاوتی داشته است. احمد تفضلی در کتاب «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» به صورت دقیق، این وضعیت زبان و به تبع آن متون تاریخی را در دوره‌های مختلف تبیین کرده است. به‌طورخلاصه تفضلی از نظرتاریخی، زبان‌های ایرانی را به سه دستهٔ عمده تقسیم می‌کند: زبان‌های دورهٔ باستان، زبان‌های دورهٔ میانه و زبان‌های دورهٔ نو. از دورهٔ باستان آثار مکتوب دو زبان بر جای مانده است: یکی زبان اوستایی که در سرزمینی از نواحی شرقی ایران بدان سخن می‌گفتند و قدیمی‌ترین آثار آن احتمالاً متعلق به زمانی میان قرن هشتم تا دهم قبل از میلاد است، دیگری زبان فارسی باستان که زبان ناحیهٔ فارس بوده و کتیبه‌های هخامنشی بدان نوشته شده و قدیمی‌ترین آن‌ها از قرن پنجم ق.م و متاخرترین آن‌ها از قرن سوم ق.م است. زبان‌های دورهٔ میانه در فاصله‌ای میان حدود ۳۰۰ ق.م تا ۷۰۰ ق.م است. زبان‌های این دوره را به دو گروه

برای مطالعهٔ تاریخ و بازسازی آن بیش از هر مدرک و سندی، به متن نیازمندیم زیرا تاریخ‌نگاری اساساً وابسته به منابع و متون اولیه است. از این‌رو آشنایی و آگاهی از این منابع اولیه و نیز تسلط بر قرانت این متون یک ضرورت است. به بیان دیگر برای کشف درست داده‌های یک متن تاریخی، باید به زبانی که آن متن در قالب آن نوشته شده؛ مسلط شد. بنابراین یکی از مقدمات مهم و اساسی برای تحقیق در تاریخ، آگاهی در مورد ادبیات از دوران کهن و باستانی تا دوران معاصر است. احمد تفضلی از جمله کسانی است که در این زمینه متحمل زحمات فراوانی شده و با کوششی ۳۰ ساله در حوزهٔ ادبیات و زبان‌های باستانی تحقیق کرده است.

**زندگی و آثار**

احمد تفضلی، سال ۱۳۱۶ در اصفهان زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و از دارالفنون دیپلم ادبی گرفت. سال ۱۳۳۸ وارد دانشکدهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد و سال ۱۳۴۰ به انگلستان رفت و وارد رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در مدرسهٔ زبان‌های شرقی دانشگاه لندن شد و در سال ۱۳۴۴ فوق‌لیسانس گرفت. در ادامهٔ تحصیلاتش سال ۱۳۴۵ در رشتهٔ زبان‌های باستانی از دانشگاه تهران درجهٔ دکتری گرفت. موضوع پایان‌نامهٔ او در مورد متون باستانی، تصحیح و ترجمهٔ سوتکرنسک و ورشت مناسرنسک از دین‌کرد و سنجش این دو نسخه با متن‌های اوستایی، بود.

تفضلی سال ۱۳۴۷ با سمت استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی به‌طور رسمی به هیأت علمی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران پیوست و در سال ۱۳۵۷ به رتبهٔ استادی نائل شد. در ده سال پایانی خدمتش در دانشگاه تهران، ریاست بخش دانشجویان خارجی دانشکدهٔ ادبیات را نیز برعهده داشت. از سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و از سال ۱۳۷۳ معاونت علمی و پژوهشی فرهنگستان را نیز برعهده داشت و سرانجام ۲۴ دی ۱۳۷۵ در تهران درگذشت.

تفضلی با زبان عربی کاملاً آشنا بود و به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی وآلمانی و ادبیات فارسی تسلط کامل داشت و با زبان روسی نیز آشنا بود. از

**سینمای ایران**

## صورت سنگی

**عبدالله بوتیمار؛ اولین ستاره چشم‌رنگی سینمای ایران**

روز ۲۸دی سال ۱۳۹۰ سینمای ایران یکی از اولین ستاره‌های خودش را از دست داد. عبدالله بوتیمار در دهه ۴۰ یکی از ستاره‌های اصلی سینمای ایران بود.

**ستاره دهه ۴۰**

بوتیمار یکی از پرکارترین بازیگران سینمای ایران در دهه‌های چهل و پنجاه بود. او در ۴۷ فیلم سینمایی بازی کرد که بی‌تردید دوران شکوه کاری‌اش حضور در آثار ساموئل خاچیکیان بود. او به‌واسطهٔ چهره خاصی که داشت در این دوران، یکی از بازیگران اصلی فیلم‌های پلیسی و جنایی بود. «دلهره»، «ضربت»، «یک قدم تا مرگ»، «اضطراب»، «دزد سیاهپوش»، «سراسام»، «بی‌عشق هرگز»، «شیطان در می‌زند»، «جاده مرگ»، «موسرخه» و «عصیان»، ازجمله مطرح‌ترین فیلم‌های بوتیمار است: «من در استودیو آذیر فیلم به‌عنوان گوینده فیلم کار می‌کردم که آقای خاچیکیان را دیدم. ایشان پیشنهاد بازی در فیلم به من کردند و من هم پذیرفتم. به همین سادگی…» او را شاید بتوان اولین ستاره چشم‌رنگی سینمای ایران دانست، آن‌هم در دورانی که هنوز چشم‌رنگی بودن، یک ویژگی اصلی برای حضور در فیلم‌ها نبود. شاید به همین دلیل بود که ساموئل خاچیکیان، هیچ‌کاک سینمای ایران و تحت‌تأثیر فیلم نوآر، برای نقش‌های اصلی فیلمش، از نقش منفی با نقش مثبت پلیس، به‌سراغ بوتیمار می‌رفت: «هیچ بازیگری در زندگی واقعی آنطور نیست که تصویرش نشان می‌دهد. من نه قهرمان هستم، نه خیلی خوش‌تیپ. آدمی کاملاً معمولی هستم. لزومی ندارد فکر کنم نماد! هستم و احساس غرور کنم. البته مردم دوست دارند بازیگران را به شکلی که در فیلم‌ها دیده‌اند، ببینند».

این حرف‌های خود بوتیمار درباره حضورش در نقش‌هایی است که گاهی باعث می‌شد روی زندگی شخصی‌اش تأثیر بگذارد. خوب آن‌زمان خیلی از عمر سینما در ایران نمی‌گذشت و بسیارپیش می‌آمد که مخاطبان، بازیگران را با همان نقش‌هایشان، در زندگی اجتماعی می‌شناختند.



**ستاره صورت سنگی**

بوتیمار از آن دست بازیگرانی است که به آنها «استون‌فیس» یا صورت سنگی می‌گویند. بازیگران بسیاری در دنیا هستند که چنین ویژگی‌ای در چهره‌شان داشته و دارند و بزرگ‌ترین نمونه‌اش باستر کیتون، اسطوره سینمای دوران صامت است. با این‌حال بوتیمار، نسبت به اینکه مردم او را به‌واسطه ویژگی‌های چهره و نقش‌هایش، قضاوت می‌کردند، چندان راضی به‌نظر نمی‌رسید: «مردم فکر می‌کنند من آدم سردی هستم؛ بسا احتیاط به من نزدیک می‌شوند و امضاء می‌خواهند. خیلی‌ها هم می‌خواهند چهره‌ام را با آنچه روی پرده دیده‌اند، مقایسه کنند. متنفرم از اینکه مرا به‌خاطر چهره‌ام تحسین کنند؛ این یعنی تنها چیزی که در چته دارم، و ویژگی‌های ظاهری است و از هنر بازیگری بی‌بهره‌ام».

**زندگی‌نامه**

عبدالله بوتیمار در سال ۱۳۱۲ در بادکوبه (پاکو) به‌دنیا آمد. او در کودکی به ایران آمد و از ۱۸سالگی فعالیت هنری‌اش را در تئاتر پارس آغاز کرد. سال ۱۳۳۸ به تئاتر آهیتا پیوست و از همان‌جا بود که وارد حرفه دوبله شد. جالب است که بوتیمار به‌واسطه جنس صدایی که داشت، به جای





زبان‌های ایرانی میانهٔ غربی و ایرانی میانه شرقی تقسیم می‌کنند. از گروه زبان‌های ایرانی میانهٔ غربی از دو زبان آثار عمده‌ای در دست است: زبان پارتی (یا پهلوانیگ یا پهلوی اشکانی) و فارسی میانه یا پهلوی. زبان پارتی زبان رایج دورهٔ اشکانیان (از حدود ۲۵۰ ق.م تا حدود ۲۲۴) بوده که تا اوایل دورهٔ ساسانی نیز بدان آثاری تألیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران نیز متداول بوده است. امروزه دانشمندان اصطلاح پهلوی را غالباً برای آثار فارسی میانهٔ زردشتی به خط پهلوی و فارسی میانه را برای آثار مانوی به این زبان و به خط خاص مانویان به کار می‌برند. دورهٔ نو زبان‌های ایرانی شامل زبان فارسی و لهجه‌ها و زبان‌های ایرانی فراوانی است که در ایران و خارج از ایران رایج بوده و از میان رفته‌اند یا آن‌هایی که هم اکنون بدان‌ها سخن می‌گویند.

نکتهٔ دیگری که بر اهمیت کار تفضلی می‌افزاید آن است که در ایران کهن، سنت به کتابت در آوردن آثار دینی و ادبی چندان معمول نبوده، به طوری که این آثار قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده و ثبت آن‌ها را لازم نمی‌دانسته‌اند. تنها اسناد سیاسی، دولتی و اقتصادی (مانند مطالب کتیبه‌های فارسی باستان و پهلوی و چرم نوشته‌ها و سفال نوشته‌ها) را درخور نگارش می‌دیدند. کتاب «اوستا» قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده تا این‌که سرانجام در دورهٔ ساسانی به کتابت درآمد و پس از آن هم، موبدان برای اجرای مراسم دینی به‌ندرت بدان رجوع می‌کرداند، زیرا آن‌چه مهم استست از حفظ خواندن آن است. همین الان هم مرسوم است که سخنران مرز و ماهر بدون متن باید سخنرانی کند! به همین جهت دقت در تغییرات و تبدیل متون شفاهی به کتبی در دورهٔ باستان نیز از تخصص‌های ویژهٔ تفضلی بود. برای درک بیشتر ارزش و اهمیت تفضلی

و پژوهش‌گرانی مانند او لازم است در این ارتباط به نکاتی اشاره شود. تا روشن شود که قطعاً برای تبیین و تحلیل و مستند کردن پیشینه تاریخ، زبان و ادبیات ایران، باید پژوهش‌گران و محققان ایرانی، مانند او به این عرصه وارد شوند زیرا متأسفانه ترجمه و تحلیل زبان متون تاریخی ایران، از سوی پژوهش‌گران خارجی صورت گرفته که تسلط کافی به تاریخ زبان و ادبیات ایران نداشته‌اند.

**باستان‌گرایی و ناسیونالیسم**

در این‌جا فقط به یک نمونه اشاره می‌شود. ارنست هرتسفلد، پژوهش‌گر و محقق آلمانی و از پیش‌گامان تحقیق در مورد تاریخ ایران است و تعداد زیادی از کتیبه‌های تاریخی توسط او بازخوانی شده و بر اساس مطالعهٔ او تاریخ باستان ایران، بازنویسی شده است. هرتسفلد برای بار اول در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به ایران آمد. در این زمان (۱۹۰۵میلادی) و در ابتدای قرن بیستم باستان‌شناسان آلمانی بر گسترش فعالیت در خاورمیانه تأکید داشتند. هم‌چنین منابع دولتی و موزه‌های سلطنتی تأکید بسیاری به کشف آثار باستانی در این منطقه داشتند زیرا اساساً برنامهٔ کاوش‌ها از روم باستان و یونان به این سو تغییر کرده بود. آلمانی‌ها به سوی ابرقدرت شدن حرکت می‌کردند و مناطق نفوذ خود را گسترش می‌دادند. پیش از هرتسفلد، باستان‌شناسان فرانسوی فعالیت‌هایی انجام داده بودند. این مأموریت هرتسفلد یک‌سال طول کشید. بار دوم در زمان رضا شاه فعالیت‌های گسترده‌ترش را آغاز کرد. هرتسفلد که در دههٔ ۱۹۳۰ (سال ۱۳۰۹ خورشیدی) به ایران آمده بود، علاقه‌مند به دیدگاه‌های ناسیونالیستی بود. در این زمان ناسیونالیست‌های ایرانی هم خواستار چارچوب جدیدی برای تاریخ کشور بودند. او تحقیقاتش را در پاسارگاد، تخت جمشید متمرکز کرد. او رابطه‌ای قوی با ناسیونالیست‌های آلمانی داشت، به همین جهت مؤسسات ژرمنند آلمانی از او حمایت مالی می‌کردند. در ایران هم حکومت بر ناسیونالیسم و میراث باستانی تأکید می‌ورزید. در نتیجه خواندن کتیبه‌ها و انجام پژوهش‌های تاریخی بر مبنای تأیید دیدگاه‌های ناسیونالیستی دنبال شد. هرتسفلد یکی از کارشناسان برجستهٔ اروپایی در زمینهٔ تاریخ و فرهنگ باستان به حساب می‌آمد و مورد توجه سیاست‌مداران و روشن‌فکران نزدیک به رضا شاه پهلوی قرار گرفت. بدین ترتیب تاریخ باستان بر مبنای پژوهش‌های جهت‌دار هرتسفلد در این زمان شکل گرفت. البته در پروژهٔ مدرن‌سازی و ساخت تأسیسات کشور هم آلمانی‌ها جایگاه خاصی پیدا کردند. بدیهی است، با چنین پیش فرض و دیدگاهی باید در مورد تحقیقات و خواندن متون دقت بیشتری صورت بگیرد. تفضلی که فعالیت‌هایش را در اواسط دههٔ ۴۰ آغاز کرد، پژوهش‌هایش توانسته در خصوص ارزیابی آن دیدگاه‌های تاریخی مفید واقع شود.

مدتی دوبله را ادامه داد. بوتیمار بعد از درگذشت رفیق قدیمی‌اش، بیک ایمانوردی و همچنین درگذشت ژاله کاظمی متأثر شد و به ایران بازگشت. ستاره سینمای ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در سال ۱۳۹۰ دچار سکنه قلبی شد و به کما رفت آن‌هم در حالی‌که گفته می‌شود در یک اتاق در جنوب شهر تهران زندگی می‌کرد.

در حالی‌که مجوز بازی مجدد هرگز برایش صادر نشد، در ۲۸دی همان سال در بیمارستان فیروزگر تهران درگذشت. آخرین فیلم بوتیمار «واسطه‌ها» نام داشت که در سال ۱۳۵۶ ساخته شد و بعد از آن هرگز دیگر رنگ حضور در پرده را ندید: «دوری از سینما مثل یک سرگردانی می‌ماند. صبح که از خواب بیدار می‌شوی، نمی‌دانی کجا بروی و چه‌کار بکنی. دیگر استودیویی در کار نیست. آدم یادش می‌آید و می‌خواهد فراموش کند. بلند می‌شود، می‌رود بیرون قهوه‌ای بخورد. بعدش چه؟ زندگی‌مان خالی است، داخلش هم خالی است و هیچ چیزی نیست. وقتی نباشد، شما چه‌کار می‌کنی؟ احساس گنجی و گم‌گشتگی می‌کنی. کجا بروم آن را پیدا کنم؟»

ستاره‌های بزرگی چون گریگوری یک و برت لنکستر صحبت می‌کرد. دو سال بعد و در سال ۱۳۴۰ با بازی در فیلم سینمایی «یک قدم تا مرگ» توسط ساموئل خاچیکیان پا به پرده سینما گذاشت. خاچیکیان ازجمله کارگردانی بود که ستاره‌های زیادی را به سینمای ایران معرفی کرد: بوتیمار، ناصر ملک‌مطیعی، محمدعلی فردین، بهروز وثوقی و… او بعد از حضور در یک فیلم جنایی دیگر و بازی در نقش منفی، در فیلمی دیگر از ساموئل خاچیکیان به‌نام «دلهره» بازی کرد. فیلمی که او را به شهرت رساند. در این فیلم، او نقش یک نویسنده داستان‌های جنایی را بازی می‌کند که قصد دارد کارخانه عمومی همسرش را به‌چنگ آورد. او سپس در «ضربت»، برای سومین‌بار با خاچیکیان همکاری کرد. بوتیمار در این فیلم، نقش قهرمان مثبت فیلم را داشت. سال‌ها قبل بوتیمار درباره این فیلم گفت: «از ضربت خیلی خوشم آمد، چون رقص و آواز نداشت. چیزهایی که در فیلم امروزی به‌وفور پیدا می‌شود. تنها راه نشان دادن احساسات در فیلم‌های امروزی کاباره و رقص است اما این فیلم بر پایه قصه و خط داستانی ساخته شده و با فیلم‌های دیگر فرق دارد». بعد از نقش مثبت‌اش در «دلهره»، بوتیمار که داشت به پرکارترین ستاره سینما تبدیل می‌شد، بازهم در همکاری با ساموئل خاچیکیان و این‌بار با یک نقش منفی، روی پرده ظاهر شد. البته او در بین همکاری‌اش با خاچیکیان، در فیلم‌های دیگری هم ایفای نقش می‌کرد، با این‌حال او بهترین کارهایش را با این کارگردان مطرح تاریخ سینمای ایران انجام داد ازجمله بی‌عشق هرگز (۱۳۴۵) و قصه شب پلدا (۱۳۴۹). با این‌حال با تغییر سبک سینمای ایران در دهه ۵۰، محبوبیت و چهره بوتیمار باعث شد که بیشتر پیشنهادات به او، نقش‌های سطحی منفی باشد. درواقع چهره متفاوت او که زمانی باعث ستارشدنش در سینمای دهه ۴۰ شده بود، در سینمای فارسی دهه بعد، تیپ ثابت اشراف‌زاده‌های بد شده بود.

**صدایشگی**

بوتیمار از سال ۱۳۳۷ و با دعوت پرویز بهرام، مرد بزرگ دوبله ایران، وارد حرفه صدایشگی شد. او اولین‌بار در فیلم رستم و سهراب به‌جای سهراب صحبت کرد سپس در فیلم‌های مهمی چون «نابخشوده» جان هیوستون به‌جای برت لنکستر و در «توپ‌های ناوارون» جی‌لی تامپسون به‌جای گری گوری‌یک صحبت کرد. او همچنین در دوران صدایشگی به‌جای بازیگران بزرگی چون ریچارد ویدمارک، جک پالانس، کریستوفر لی، کرک داگلاس، ریچارد ایگان، ارنست بورگناین و پیترو کوشینگ صحبت کرد. بوتیمار علاوه بر دوبله، در گویندگی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز فعالیت می‌کرد.

**پایان**

او در سال ۱۳۶۰ ایران را به مقصد آلمان ترک کرد و در آنجا نیز پس از

**گزارش:سینمای جهان**

## پیام بی‌پروا و آشکار سیاسی

### شجاعتی تازه برای مواجهه با زشتی‌های زندگی مدرن



ناراحت‌کننده‌ترین صحنه در فیلم «نبرد پشت نبرد دیگر»، تازه‌ترین ساخته پل توماس اندرسون (برنده اخیر گلدن‌گلوب و دانش‌آموخته انتامم کالج امرسون)، نه به یورش‌های مهاجرتی مربوط می‌شود و نه به گردهمایی‌های مخفیانه برتری‌طلبان سفیدپوست؛ دو مضمونی که فیلم به آنها می‌پردازد؛ بلکه این صحنه، با صدافتی تمام، یک «موش‌پیت» دبیرستانی را نشان می‌دهد: تجمعی از بدن‌ها که به شکلی معذب در مرکز یک سالن ورزشی به‌هم فشرده شده‌اند و عمودوار، بالا و پایین می‌پرند.

این صحنه نماینده روندی در سینمای سال ۲۰۲۵ است: شجاعتی تازه برای مواجهه مستقیم با زشتی‌های زندگی مدرن. «نبرد پشت نبرد دیگر»، در کنار «ادینگتون»، «پس از شکار»، «بوگونیا»، «سلاح‌ها» و چند عنوان تازه دیگر مجموعه‌ای از فیلم‌های بی‌پروا و آشکارا سیاسی را شکل می‌دهند که از رویارویی مستقیم با دوره‌ای به‌شدت بی‌ثبات در سیاست آمریکا، ابایی ندارند.

فیلم اندرسون، داستان باب (پا بازی لئوناردو دی‌کاپریو)، انقلابی‌ی چپ‌گرای بازنشسته آمریکایی را دنبال می‌کند که با کنشگری آن‌لاین، سیاست‌های هویتی و فناوری‌های نو ظهور درگیر می‌شود. او در برابر سرهنگ نظامی کینه‌توز، لاک‌جاو (شان پن)، قرار می‌گیرد؛ مردی که آرزوی پیوستن به یک گروه برتری‌طلب سفیدپوست را دارد اما نمی‌تواند از «عادت اختلاط نژادی» خود دست بکشد. بار سیاسی فیلم کاملاً آشکار است و کهن‌الگوی «شورشگر چپ‌گر» را بسط می‌دهد؛ شخصیتی که اغلب در سینمای جریان اصلی بدنام می‌شود اما در سینمای مستقل جلوه‌ای رمانتیک می‌یابد.

نه اینکه سینما هرگز سیاسی نبوده باشد، اما فیلم‌های بزرگ درباره سیاست ملی معمولاً نقد خود را پشت تاریخ، فانتزی یا تمثیل پنهان می‌کنند. در سال ۲۰۲۴، پروتالیست رویای آمریکایی را در قالب یک حماسه تاریخی نقد کرد و ماده سراغ زن‌ستیزی جریان اصلی رفت اما در قالب علمی-تخیلی. در مقابل، «جنگ داخلی» که مدعی بررسی مستقیم وضعیت کشور بود، سیاست خود را در ترکیبی گل‌آلود از واژه‌های مد روز و پیام‌هایی گیج‌کننده پنهان کرد. همین انتقاد به «ادینگتون»، تازه‌ترین فیلم آری استسر جنجال‌برانگیز هم وارد شده است. تماشاگران شاهد رقابت

سال هشتم شماره ۲۱۶۴  
یک‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۴

کلاتر یک شهر کوچک، جو کراس (واکین فینیکس)، برای شهرداری با شهردار فعلی، تد (پدرو پاسکال) هستند؛ مردی که با او گذشته‌ای شخصی دارد.

«بوگونیا» ساخته یورگوس لانتیموس، بی‌اعتمادی فرآینده سیاسی به آبرژر وتمدندان را دستمایه قرار می‌دهد، اما این احساسات را در قالب یک فیلم ترسناک به سلاح تبدیل می‌کند.

«سلاح‌ها» ساخته زک کرگر، فیلمی ژانری با همان رگه تحریک‌آمیز آثار بالا، با حادثه‌ای فراطبیعی آغاز می‌شود: ششی که همه دانش‌آموزان یک کلاس سوم ابتدایی، به‌جز یکی، خانه‌هایشان را ترک می‌کنند و هرگز پیدا نمی‌شوند. خانم گندسی (جولیا گارنر)، معلم آنها، بی‌وقفه از سوی شهر تحت بازجویی و سرزنش قرار می‌گیرد؛ مردمی که با تراژدی‌ای روبه‌رو هستند که با واقعیت سازگار نیست.

این مقدمه فانتزی طیف وسیعی از مسائل سیاسی را تداعی می‌کند (تیراندازی‌های مدارس، فرهنگ کنسل، سوءاستفاده، کمبود بودجه آموزشی) بی‌آنکه مستقیماً به هیچ‌کدام اشاره کند.

اما آیا همزمانی با اکتسون واقعاً این قدر مهم است؟ سال‌ها فیلم‌ها حتی از نشان‌دادن تلفن‌های هوشمند رهیز می‌کردند؛ موضوعی که در ویدئوی مشهور نردراپتر با عنوان «چرا در فیلم‌های محبوب این قدر کم گوشه هوشمند می‌بینیم؟» بررسی شده است. با وجود آنکه گوشه بخش انکارناپذیر زندگی روزمره است، جمعاً تصمیم گرفتیم نگاه‌کردن به صفحه نمایش «باحال» نیست. در مقابل، این فیلم‌ها بازتاب می‌دهند (و حتی در آغوش می‌گیرند) این واقعیت را که زنده‌بودن در ۲۰۲۵ چقدر «باحال‌نبودن» دارد.

جالب اینکه همه این فیلم‌ها انگار یک موضوع را بیش از حد خجالت‌آور می‌دانند: پرداختن مستقیم به آن در خط زمانی. فیلم‌هایی مثل «میکی ۱۷» و «بیدار شو مرد مرده» با رهبران فرقه‌های شخصیتی در سال ۱۹۴۲، ارنست لوییسیج در اوج قدرت آلمان نازی، «بودن یا نبودن» را تهیه و کارگردانی کرد. فیلم، جنایات زمان جنگ را دستمایه کمدی اسکرپوبال قرار داد: داستان بازیگر لهستانی‌ای در ورشو اشغال‌شده که ناخواسته با بازی نقش یک نازی قانع‌کننده به مقاومت کمک می‌کند و افسران گشتاپو را ابلهانی ناتوان نشان می‌دهد و حتی خود هیتلر هم به‌عنوان یک شخصیت در فیلم حضور دارد.

آن زمان، منتقدان بدبین بودند: آیا خیلی زود نیست که از این فجایع کمدی ساخته شود؟ آیا این بی‌سلیقگی نیست؟ امروز اما این فیلم یکی از بهترین آثار دوران اسکرپوبال به‌شمار می‌رود.

آیا «نبرد پشت نبرد دیگر»، «ادینگتون» یا «پس از شکار» هم چنین سرنوشتی خواهند داشت؟ زمان مشخص می‌کند. اما خطاب به همه فیلمسازانی که نشانه رفته‌اند به اکنون ما: از کسی می‌خواهم که تا آخرش برود.



شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) واگذاری «**ساخت قطعات و تعمیر و بازسازی ۱۱ دستگاه پمپ و الکتروموتور کرایونژنیک واحد های ۱۴۷ و ۱۴۸ جهت نصب در مخازن ذخیره پروپان و بوتان پالایشگاه پنجم**» را با شرایط ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) برگزار نماید :

۱- کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از پایان ارزیابی کیفی) مناقصه گران، اطلاع رسانی خواهد شد. به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد ترتیب اثر داده نخواهد شد. متقاضیان شرکت در مناقصه در سامانه، نسبتپ به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

۲- مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد، مهلت بارگذاری پاکت (اسناد ارزیابی کیفی)، (الف)، (ب) و (ج) در سامانه و تسلیم پاکت (الف) به مناقصه گذار و زمان بازگشایی پاکت (اسناد ارزیابی کیفی) طبق برنامه زمانی مندرج در سامانه ستاد می باشد.

۳- زمان تشکیل جلسه توجیهی قبل از پیشنهاد نرخ، در دعوتنامه شرکت در مناقصه ی مندرج در اسناد مناقصه منتشره در سامانه ستاد، ذکر گردیده است.

۴- زمان بازگشایی پاکت پیشنهاد مناقصه، پس از پایان ارزیابی پاکت (اسناد ارزیابی کیفی) مناقصه گران، اطلاع رسانی خواهد شد.

۵- برآورد اولیه معادل **۱,۳۹۶,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بوده** و تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به مبلغ **۴۵,۰۳۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال** به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۲ / ۱۳۳۴ ت/ ۵۰۶۵۹-هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران و مطابق موارد مندرج در سامانه ستاد، به استثنای تضامین صادره از بانک های پاسارگاد و سپه.

۶- گواهینامه های صلاحیت مورد قبول جهت شرکت در مناقصه، در اسناد استعلام ارزیابی کیفی منتشره در سامانه ستاد، ذکر گردیده است.

۷- رعایت آیین نامه بانگزی شده ایمنی امور پیمانکاری موضوع بخشنامه شماره ۲۳ / ۱۳۳۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از سوی مناقصه گران الزامی است.

۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر به نشانی عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، فازهای ۹ و ۱۰، پالایشگاه پنجم، امور حقوقی و پیمان ها، مراجعه و یا با شماره تلفنهای ۵-۰۷۷-۳۷۳۲۵۶۱۸ دورنگار ۰۷۷-۳۷۳۲۵۶۱۸ تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

**روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی**

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

## اشتباه بزرگ

چرا به کارآفرینان اهمیت ندادیم؟

محمود شکرى

تحلیلگر اقتصاد

اقتصاد ایران تحت‌تأثیر اندیشه‌های چپ‌گرایی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، راه را کج رفت. هیچ‌وقت خوب نبوده، از همان ابتدا مس‌اره را کج رفتیم. می‌گویند بار کج به مقصد نمی‌رسد. اساس کارآفرینی بر سه اصل استوار است؛ مالکیت، مدیریت بلندمدت و اتصال به اقتصادی جهانی که اقتصاد ایران در هر سه مورد دقیقاً خلاف مسیر حرکت کرده است. کره‌جنوبی زمانی که مسیر توسعه را همزمان با ایران آغاز کرد، حدود ۵۵ تا ۶۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشت. اما امروز تولید ناخالص داخلی ایران با احتساب دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی چیزی حدود ۴۶۴ میلیارد دلار است که اگر دلار آزاد را مینسأ قرار دهیم این رقم به زیر ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسد که واقعاً فاجعه است. در مقابل، کره‌جنوبی امروز حدود ۱۷۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارد.

در بخش خصوصی کارآفرینانی وجود داشتند و همچنان وجود دارند که می‌توانند، اقتصاد ایران را از تله رشد پایین نجات دهند اما امروز همه می‌دانیم که شرایط برای فعالیت آنها فراهم نیست. کارآفرین ویژگی‌هایی مانند خلاقت، ریسک‌پذیری، خلق ثروت، ایجاد اشتغال و فرصت‌یابی دارد. اینها ویژگی‌هایی است که می‌تواند، کارآفرین را به موتور محرکه توسعه تبدیل کند اما در کشور ما همه این موارد قفل هستند و امکان بروز و ظهور ندارند. ما تقریباً همزمان با کره جنوبی مسیر توسعه اقتصادی را آغاز کردیم. هر دو کشور فقیر بودیم به واردات اتکا داشتیم، درآمد نفتی بالایی نداشتیم و نیروی کار ارزان هم داشتیم. تفاوت در این بود که ساختار سیاسی در کره‌جنوبی نگاه توسعه‌گرا داشتند و آزادی فعالیت اقتصادی را پاس داشتند. کره جنوبی نگاه ادغام در اقتصاد جهانی داشت اما ما این نگاه را نداشتیم و از جهان جدا شدیم. از نظر ثبات اقتصادی و حقوقی، آنها روزبه‌روز تقویت شدند و ما روزبه‌روز عقب‌گرد کردیم. در کره جنوبی، کارآفرینان هدایت و حمایت شدند و شرکت‌های خانوادگی بزرگی مانند سامسونگ، ال‌جی و هیوندای شکل گرفتند که امروز به غول‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند و نقش مهمی در رشد اقتصادی این کشور داشته‌اند.

ما تمام منابع خود را صرف اهداف غیراقتصادی کردیم؛ درحالی که وقتی اقتصادی می‌خواهد رشد کند، اولین هدف آن باید تخصیص بهینه منابع بین نیازهای واقعی اقتصاد باشد؛ موضوعی که به دلیل نوچه‌پروری، متأسفانه هیچگاه در اقتصاد ما جدی گرفته نشد.

ما میلیارد‌ها دلار درآمد نفتی خود را صرف هزینه‌های غیراقتصادی کردیم و در خارج از مرزهای تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری کردیم. اگر این منابع به درستی تخصیص می‌یافت و صرف توسعه زیرساخت‌ها می‌شد، امروز کشوری بسیار ثروتمند و قدرتمند بودیم.

در حال حاضر از منظر شاخص آزادی اقتصادی، ایران جزو سه کشور انتهای جدول است و تنها یک کشور وضعیت بدتری از مسأ دارد. عملاً ما یکی از بدترین وضعیت‌ها را در شاخص آزادی اقتصادی در جهان داریم. در چنین اقتصادی، صحبت از توسعه اساساً بی‌معناست. وقتی با بدست‌ترین و دولتی‌ترین اقتصاد جهان مواجه هستیم نباید انتظار توسعه یا پیشرفت داشته باشیم. خروجی وضعیت کنونی، یک اقتصاد دولتی بزرگ و ناکارآمد است؛ اقتصادی که با محاسبه نادرست شرایط، در ونزوئلا کارخانه خودروسازی احداث می‌کند و در سوریه خط تولید صنعتی راه می‌اندازد اما با تغییرات و تحولاتی که صورت می‌گیرد، میلیارد‌ها دلار سرمایه مردم کشور از دست می‌رود.

مرور ادبیات تکرارشده سال‌های اخیر واقعیت‌های زیادی را برای ما روشن می‌کند. به‌طور مثال سیاست‌های تنظیم شده با سیاست خودکفایی، زیان زیادی به اقتصاد ما وارد کرده اما ما همچنان بر تداوم آن تأکید داریم. خودکفایی در دنیا فقط در کالاهایی معنا دارد که در شرایط بحران، نبودشان امنیت کشور را تهدید می‌کند. مثل ادوات نظامی. ما جنگ را تجربه کردیم؛ نه به ما موشک می‌دادند، نه فشنگ پس لازم بود در حوزه نظامی خودکفا شویم. این را هر عقل سلیمی می‌پذیرد و بحث پیچیده اقتصادی هم ندارد. حتی بسیاری از کشورها از صادرات صنایع نظامی هم درآمد کسب می‌کنند. اما مسئله این است این تجربه را نباید به صنعت و صنایع غذایی تعمیم می‌دادیم.

به همین دلیل اولویت‌بندی تخصیص منابع از مسیر دولت متمرکز و مجلس، ما را به نتیجه نمی‌رساند؛ ما باید اقتصاد را باز کنیم و تخصیص منابع را به افرادی بسپاریم که مالک منابع هستند. کارآفرینان منابع خودشان را بهتر تخصیص می‌دهند. ما میلیارد‌ها دلار منابع در کشور توزیع کرده‌ایم اما سودمند نبوده است؛ برای مثال حدود ۵۰ درصد شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی غیرفعال هستند زیرا تخصیص بهینه منابع انجام نشده و هدف نه خلق ثروت بلکه توزیع رانت بوده است. وقتی رانت تخصیص می‌دهید، این مسیر یکی دو ساله نیست؛ ما سال‌هاست در این مسیر غرق شده‌ایم.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# مترهم اصلی اعتراض‌ها

## چه کسی زیر بشکه باروت کبریت کشید؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

تصور کنید اقتصاد ایران مثل فرد بیماری بود که سکنه قلبی کرده بود و داشتند او را به بیمارستان منتقل می‌کردند که ناگهان آمبولانس هم تصادف کرد و دست و پا و کمر این فرد بیمار هم دچار شکستگی شد. حالا این فرد با چند بیماری همزمان باید به بیمارستان منتقل شود و هیچ پزشکی هم نمی‌داند، درمان را باید از کجا شروع کند.

فرض کنید این فرد به بیمارستان منتقل شده و پزشکان در اتاقی در حال مشورت هستند و می‌خواهند تصمیم بگیرند که ابتدا کدام قسمت بیمار را مداوا کنند. اگر فکری به حال قلب نکنند، بیمار ممکن است، جان خود را از دست بدهد و اگر به شکستگی‌ها رسیدگی نکنند شاید بیمار توان و انرژی‌اش را از دست بدهد و پزشکان نتوانند برای قلب او نیز کاری کنند.

بیماری قلبی این فرد همان سیاست‌های ارزی غلط سال‌های گذشته است که باعث سکنه اقتصاد ایران شده و شکستگی‌ها همان شوک‌های تورمی و ارزی هستند که اقتصاد ایران را گرفتار کرده‌اند.

اغلب افراد، ششمین شوک ارزی را دلیل اصلی آغاز اعتراض‌های اجتماعی می‌دانند چراکه به عقیده آنها، جرقه اعتراض‌ها زمانی

زده شد که برای ششمین بار در یک دهه گذشته، نرخ ارز با جهش مواجه شد. به این صورت که افزایش قیمت دلار از محدوده ۱۳۰ هزار تومان به ۱۴۵ هزار تومان، انگیزه‌ای برای اعتراض فعالان بازار موبایل شد که در اعتراض به بی‌ثباتی‌های متغیرهای اقتصاد کلان دست از کار بکشند و شعارهای اعتراض سردهند.

روایت دیگر این است که تصمیم دولت به حذف ارز ترجیحی، انتظارات تورمی را تحریک کرد و باعث افزایش دسته‌جمعی قیمت‌ها شد و پس از آن نرخ ارز نیز با شوک مواجه شد و به این ترتیب فعالان بازار موبایل در اعتراض به این بی‌ثباتی‌ها بیرون ریختند.

شاید برای مردم عادی تفاوت زیادی نکند که محرک اقتصادی اعتراض‌ها کدام عامل بوده اما پذیرش هر کدام از این روایت‌ها برای نظام حکمرانی، جای مترهم را در پرونده اعتراض‌های ماه دی تغییر می‌دهد. در حال حاضر مترهم اصلی محمدرضا فرزین است که در همان ابتدای به‌هم‌ریختن بازارها، کنار گذاشته شد و در حال حاضر سکان بانک‌مرکزی را هم در دست ندارد و برای مصون ماندن از حوادث غیرقابل پیش‌بینی به شغل تشریفاتی دستیار رئیس‌جمهور گمارده شده است. پس از او سیدعلی مدنی‌زاده و وزارت اقتصاد مترهم

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

# رشد لרزان

## کدام نیروها، شاخص بورس را تکان دادند؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران در هفته‌ای که گذشت؛ با رشد اندک شاخص کل در مقیاس هفتگی به پایان رسید. در هفته قبل شاخص کل با رشد ۰/۳۷ درصدی همراه شد؛ شاخص هم‌وزن ۳/۸۴ درصد از ارتفاع خود را از دست داد و شاخص کل فرابورس نیز با افت ۲/۶۹ درصدی همراه شد. در نخستین روز معاملاتی هفته گذشته، شاخص کل ۰/۸۱ درصد از ارتفاع خود را از دست داد؛ در سه روز بعدی هفته، نماگر اصلی بازار سهام با رشد همراه شد و در معاملات روز سه‌شنبه، این نماگر موفق شد برای نخستین‌بار در طول تاریخ، وارد کانال چهار میلیون و ۵۰۰ هزار واحدی شود. اما دیری نپایید که شاخص کل این کانال را از دست داد و به کانال چهار میلیون و ۴۰۰ هزار

هستند که با اصرار بر حذف ناگهانی ارز ترجیحی، بازار را به هم ریختند و اکنون نیز تلاش می‌کنند این اتهام را از خود دور کنند چراکه به عقیده برخی، حذف عجولانه ارز ترجیحی باعث و بانی اعتراض‌ها بوده است.

کاملاً واضح است که مسدودسازی هیچ رانتی به اندازه ارز ترجیحی در دولت مسعود پزشکیان ارجح نبود. کفگیر دولت به ته‌دیگ خورده بود و دیگر منبعی وجود نداشت که بخواهد به بازتوزیع ارز ترجیحی بپردازد. همزمان با نوسان شدید دلار و افزایش انتظارات تورمی، گسست اعتماد میان مردم و نظام حکمرانی نیز مزید بر علت شد که کسبه بازار، اولین گام‌های اعتراضات را بردارند. اعتراضات از بازار موبایل‌فروشان آغاز



شد و به‌تدریج به بازار کامپیوترفروش‌ها، بازار کوفتی‌ها، کسبه ساختمان‌آلومینیوم، فروشندگان لوازم یدکی، کسبه میدان توپخانه و بلورفروش‌های میدان شوش رسید. پس از آن، عموم مردم کم‌درآمد به خیابان آمدند و ملغمه‌ای از مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را فریاد زدند. به عقیده تحلیلگران، عوامل گوناگونی سبب اعتراضات شد؛ با این همه، جرقه اصلی خوشه‌های خشم، نوسان شدید قیمت دلار و بی‌ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان بود که جوانان بازاری را تحریک کرد. هنوز کسی نمی‌تواند از میان گزینه‌های موجود، مترهم اصلی را پیدا کند اما به‌نظر می‌رسد، محمدرضا فرزین قربانی خوبی برای این سناریو است. هم با جایگزین خودش- عبدالناصر همتی- سابقه درگیری دارد و حمایت صنفی او را نیز از دست داده و هم با سیدعلی مدنی‌زاده میانه خوبی ندارد. اصل و نسب سیاسی‌اش به دولت محمود احمدی‌نژاد برمی‌گردد و در دولت سیدابراهیم رئیسی به کار دعوت شده و میانه خوبی هم با نیروهای مؤثر دولت ندارد. اشتباهات زیادی هم در پرونده دارد و رئیس قوه قضائیه بارها برایش خط‌ونشان کشیده است. همه اینها نشان می‌دهد که محمدرضا فرزین، گزینه خوبی برای قربانی شدن است. در سمت دیگر سیدعلی مدنی‌زاده را می‌بینم که به قول

حاج‌میرزایی، هلوی کابینه و عزیز دردانه معاون اول است و مسعود پزشکیان هم به او علاقه دارد. فردی سالم با سابقه درخشان دانشگاهی اما کم‌تجربه که توسط جوانان رادیکال احاطه شده که برخی از آنها پیش از ورود به عرصه تصمیم‌گیری، معتقد بودند که دولت، اصلاحات اقتصادی را به هر طریق ممکن باید پیش ببرد حتی اگر ناچار شود، تانک به خیابان ببرد. فضای سیاسی در ایران آنقدر پیچیده است که کسی نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند اما بدون شک اگر فضا آرام گیرد از بین بانک‌مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی یکی باید به عنوان مترهم اصلی معرفی شود.

اقتصاددانان پیش از این بارها از ضرورت حذف ارز ترجیحی سخن گفته بودند. به گفته آنها، تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای گوناگون سبب کاهش تورم این اقلام نمی‌شود. آمار و اعداد رسمی نیز این گزاره را تأیید می‌کنند. آنچه سبب ثبات قیمت کالاهای اساسی می‌شود، ثبات شاخصه‌های اقتصادی کلان، محیط مساعد کسب‌وکار همچنین افزایش سرمایه‌های اجتماعی دولت در برابر مردم است. البته سال‌هاست که نرخ تشکیل سرمایه در کشورمان منفی است. شاخص استهلاك سرمایه از میزان تشکیل آن پیشی گرفته و هر جهش تورمی نیز این فاصله را بیشتر می‌کند. سرمایه‌گذاران افق روشنی پیش‌رویشان متصور نمی‌شوند و به همین دلیل، اقدام به سرمایه‌گذاری جدید نمی‌کنند. سرمایه‌گذاران قدیمی به‌دلیل نابسامانی وضع اقتصادی، اگر فرصتی دست دهد، ترجیح می‌دهند همان مقدار سرمایه قبلی را نیز به خارج ببرند. هفته گذشته، دولت اینترنت بین‌المللی را قطع و اینترنت داخلی را برقرار کرد. تجربه اعتراضات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ نشان می‌دهد همزمان با قطع اینترنت و از کار افتادن کسب‌وکارهای اینترنتی، جوانان نسبت به آینده ناامید می‌شوند. به‌ویژه که نسل جدید، با همان نسل زد، با اینترنت بزرگ شده‌اند. اولین

نتیجه چنین شرایطی، فرار سرمایه است؛ خواه سرمایه انسانی و خواه سرمایه اقتصادی. بنابراین دولت باید فکری برای تمام سرمایه‌های از دست‌رفته کند.

دولت باید ابتدا خطاهایش در سیاست حذف ارز ترجیحی را اصلاح کند. دولت و بانک مرکزی باید سیاست حذف ارز ترجیحی را به شکل مناسبی ساماندهی کنند. بانک مرکزی و سیاست‌گذاران در چند هفته گذشته، دچار خطایی شده‌اند و احتمال موفقیت تصمیم خوب را با اقدامات عجولانه و زمان‌بندی نامناسب کاهش دادند. دولت آمادگی لازم برای جبران آسیب و تبعات تورمی کنونی را نداشت. زحمت این پاک‌سازی‌ها بر دوش عبدالناصر همتی است. بانک مرکزی با نهادهایی همچون وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت رفاه تعامل داشته باشد. همتی باید نشان دهد که خطای بانک‌مرکزی را پذیرفته و درنهایت با اقداماتی که در آینده انجام می‌دهد، سعی در جبران آثار خطای اولیه و کاهش آثار سوء آن می‌کند. شاید اگر فرد دیگری جز همتی در بانک مرکزی بود، چنین انتظاری نمی‌رفت اما همتی هم حرفه‌ای است و هم باهوش و پاک‌سازی و اصلاح از او برمی‌آید فقط از او که باتجربه است.

رقم قابل‌توجهی است. این درحالی است که در اوایل شهریور و قبل از آغاز روند صعودی در بازار سهام، ارزش معاملات خرد این بازار به سطوح نازل ۳ هزار میلیارد تومان رسیده بود. رسیدن قیمت‌های بازار سهام به سطوح ارزنده، تشدید انتظارات تورمی، کاهش نسبی سطح ریسک‌ها و افزایش نرخ دلار مؤثر بر سود شرکت‌های بورسی ازجمله عواملی بود که پس از تجربه کف ۸ شهريور در شاخص کل، موجبات صعود نماگرهای سهامی را فراهم کرد و این موضوع به‌وضوح خود را در افزایش ارزش معاملات خرد این بازار نیز نشان داد. درحالی که در ۲۳ دی ماه رکورد تاریخی ارزش معاملات بازار سهام با ثبت رقم ۳۴ هزار و ۴۵۳ میلیارد تومان شکست؛ اما همچنان بازار در زمینه ارزش دلاری معاملات در قیاس با دوران اوج خود فاصله چشمگیری دارد. در برخی از روزهای معاملاتی سال ۹۹ روزانه بیش از یک میلیارد دلار سهام میان سرمایه‌گذاران معامله می‌شد. ۲۳ اردیبهشت سال ۹۹ ارزش معاملات خرد بازار سهام به ۲۴ هزار میلیارد تومان رسید که با احتساب دلار ۱۶ هزار و ۶۰۰ تومانی آن روز در بسأزار آزاد، ارزش دلاری معاملات به یک میلیارد و ۴۵۱ میلیون دلار رسید که عدد عجیب‌وغریبی محسوب می‌شود. در وصف عجیب‌وغریب بودن این عدد همین بس که اگر اکنون و با دلار ۱۴۰ هزارتومانی در بازار آزاد دوباره چنین رکوردی در بازار سهام این روزها به ثبت برسد؛ باید ارزش معاملات خرد بازار سهام رقم ۲۰۳ هزار میلیارد تومان را ثبت کند.

## تصویب

## مکان قانونی اعتراض

### کلیات طرح نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها به تصویب رسید

**گروه اجتماعی:** موضوع ساماندهی تجمعات و تعیین مکانی برای اعتراضات قانونی مردم، همواره یکی از موضوعات مورد بحث در محافل سیاسی بوده است. این موضوع که تاکنون به مرحله اجرایی نرسیده با هر دور اعتراضات مردمی دوباره به میان می‌آید. در تازه‌ترین تحولات، مجلس شورای اسلامی با اکثریت آرا (۲۱۵ رای موافق) کلیات طرح نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها را به تصویب رساند. این طرح که پس از یک سال بررسی در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای آماده شده با ادغام با لایحه مشابه دولت به‌دنبال قانونی کردن اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی است.

سخنگوی کمیسیون شوراهای در این باره اظهار کرد که این طرح با فراهم کردن بستر مناسب برای اعتراضات قانونی، آنها را از اعتراضات غیرقانونی جدا می‌کند و فرآیند صدور مجوزها را شفاف‌تر و غیرسلیقه‌ای خواهد کرد. معاون معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور نیز با استقبال از این طرح از هماهنگی دولت و مجلس در این زمینه خبر داد و تأکید کرد که رهبری بر شنیده شدن اعتراضات تأکید داشته‌اند.

#### قانون اساسی مجاز دانسته!

استاندار تهران نیز در گفت‌وگو با ایلنا بر ضرورت تعیین مکانی برای تجمعات و راهپیمایی‌های معترضین تأکید و به اصل ۲۷ قانون اساسی اشاره کرد که هرگونه راهپیمایی و تجمع بدون

#### رسانه

## برقراری قطره‌چکانی ارتباطات

### سرویس پیامک در برخی از اپراتورها وصل شد، فارس می‌گوید اینترنت بین‌الملل هم وصل خواهد شد

پیامک‌ها بعد از یک هفته متصل شد اما تمامی پیامک‌ها به‌دست مشترکین نمی‌رسند و به‌عنوان مثال پیامک‌هایی شامل لینک یا برخی کلیدواژه‌ها امکان رسیدن به مقصد را ندارند. پنج‌شنبه هفته گذشته بود که اینترنت و پیامک و حتی امکان برقراری تماس برای تمامی مشترکین تلفن همراه در کشور قطع شد و ایران در یک خاموشی کامل ارتباطاتی فرو رفت. در روزهای گذشته برخی از افراد مانند اعضای شورای‌عالی فضای مجازی و نمایندگان مجلس نسبت به ادامه قطعی پیامک‌ها ابراز نگرانی و تعجب کرده بودند. قطع شدن پیامک‌ها موجب اختلال در سرویس‌دهی بسیاری از کسب‌وکارها و بروز مشکلات در زندگی روزمره مردم شده بود چراکه امکان برقراری ارتباط و چت در تمامی پیام‌رسان‌ها و فروشگاه‌های اینترنتی و سایر ابزارها نیز مسدود است. با این حال مشاهدات رسانه‌ها و کاربران نشان می‌دهد که حالا امکان ارسال و دریافت پیامک برای برخی اپراتورهای موبایل کشور فراهم شده است. با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد، تمامی پیامک‌ها به‌دست مشترکین نمی‌رسند و به‌عنوان مثال پیامک‌هایی شامل لینک و یا برخی کلیدواژه‌ها، امکان رسیدن به مقصد را ندارند. مشخص نیست که آیا سایر راه‌های ارتباطاتی هم به‌زودی به‌حالت سابق برمی‌گردند یا خیر؟! برخی شایعات تأیید نشده حکایت از این دارند که برخی گشایش‌ها در وضعیت اینترنت کشور نیز به‌زودی رخ خواهد داد.

خبرگزاری فارس گزارش داده که: «با کنترل شرایط و دستگیری گسترده سرتیم‌ها و عوامل هسته‌های تروریستی اکنون شرایط ارتباطی به‌صورت مرحله به مرحله در حال بازگشت به وضعیت عادی است. در مرحله اول امکان ارسال پیامک فعال شده است، در مرحله بعد فضای اینترنت داخلی وصل خواهد شد و در نهایت اینترنت بین‌الملل به وضعیت عادی برخواهد گشت».

با این حال، براساس تازه‌ترین به‌روزرسانی منتشرشده از سوی نهاد مستقل پایش اینترنت NetBlocks داده‌های فنی نشان می‌دهد که پس از عبور از بیش از ۲۰۰ ساعت از آغاز اختلال گسترده اینترنت در ایران، تنها افزایشی بسیار جزئی در میزان اتصال اینترنت کشور ثبت شده است. با این حال، این افزایش ناچیز تأثیری معنادار بر وضعیت کلی نداشته و سطح اتصال اینترنت همچنان حدود ۲ درصد از میزان عادی باقی مانده است. ما در زومیت با اینترنت ثابت شاتل، زیتل، همراه اول سعی کردیم که به برخی سایت‌ها و فیلترشکن‌ها متصل شویم اما نتوانستیم اما مشاهدات برخی کاربران حکایت از اتصال به فیلترشکن و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی جهانی دارد.

#### افزایش جزیی، بدون نشانه بازگشت واقعی

NetBlocks در آخرین گزارش خود تأکید کرده است که اگرچه شاخص‌های فنی در ساعات اولیه صبح نشانه‌ای از بهبود بسیار محدود را نشان می‌دهند اما هیچ نشانه‌ای از بازگشت قابل‌توجه یا پایدار اینترنت در کشور مشاهده نمی‌شود. به بیان دیگر، آنچه در داده‌ها دیده می‌شود بیشتر به نوسان‌های جزیی شبکه شباهت دارد تا آغاز فرآیند رفع محدودیت‌ها.

#### قطع سراسری و پایدار

مطابق داده‌های منتشر شده از سوی نت‌بلاکس پیش از هفته گذشته، سطح اتصال اینترنت کشور در محدوده طبیعی خود قرار داشته است. از آن تاریخ به‌بعد و طی یک هفته اخیر، افتی ناگهانی و شدید رخ داده که منجر به سقوط اتصال به نزدیک صفر شده است. در روزهای بعد، این وضعیت تقریباً بدون تغییر ادامه یافته و تنها در مقاطعی، اتصالات در کشور به‌عنوان یک درصد اعلام شده بود. NetBlocks این بازه را به‌طور مشخص با عنوان SHUTDOWN (خاموشی) مشخص کرده که نشان‌دهنده ماهیت ساختاری و هدفمند این اختلال است.

ادامه این وضعیت به‌معنای آن است که بخش عمده‌ای از کاربران، کسب‌وکارها، خدمات آنلاین، ارتباطات بین‌المللی و زیرساخت‌های دیجیتال کشور عملاً از دسترسی خارج مانده‌اند. اتصال ۲ درصدی معمولاً محدود به مسیرهای خاص، شبکه‌های داخلی یا ارتباطات بسیار گزینشی است و قابل استفاده عمومی محسوب نمی‌شود. همچنین باید گفت در حال حاضر با وصل شدن احتمالی به سرویس فیلترشکن‌ها توسط یک کاربر، امکان برقراری اتصال به وبسایت‌های ایرانی میسر نیست و به‌منظر می‌رسد این موضوع بدان معنا باشد که هنوز دیتاسترها وصل نیستند. کارشناسان معتقدند چنین سطحی از اتصال، نه‌تنها پاسخگوی نیازهای روزمره شهروندان نیست بلکه امکان فعالیت پایدار برای تجارت الکترونیک، ارتباطات حرفه‌ای، رسانه‌ها و حتی خدمات حیاتی وابسته به اینترنت را نیز سلب می‌کند. به گزارش زومیت؛ برخی نشانه‌های فنی غیررسمی حاکی از آن است که تغییراتی محدود و منطقه‌ای، به‌ویژه در بخش اینترنت ثابت، در حال وقوع است. براساس این مشاهدات درحالی که اپراتورهای سیار مانند ایرانسل و همراه اول در بسیاری از نقاط همچنان دچار قطع یا محدودیت شدید هستند، در برخی مناطق اتصال روی خطوط ثابت به‌صورت مقطعی برقرار شده است. ازجمله نشانه‌های قابل‌توجه



مجاز برای تجمعات را برعهده دارد و شورای‌شهر می‌تواند در این زمینه همکاری کند اما تصمیم‌گیری مستقل ندارد.

#### سازوکار شفاف!

اما در نهایت به اعتقاد حقوقدانان یکی از مهم‌ترین مشکلات حق اعتراض در ایران، فقدان یک سازوکار شفاف اجرایی است. مشخص نیست کدام نهاد مرجع صدور مجوز تجمع است، این نهاد در چه بازه‌ای موظف به پاسخگویی است در صورت سکوت یا رد درخواست، چه مرجع اعتراضی وجود دارد و مسئولیت تأمین امنیت تجمع برعهده کدام نهاد است. به گفته متخصصان این حوزه در حقوق عمومی، این وضعیت به‌معنای «بی‌اثر شدن حق» است زیرا شهروند نمی‌تواند، رفتار خود را با قانون تطبیق دهد. نتیجه این می‌شود که هر تجمعی، پیشاپیش در معرض برجسب «غیرقانونی» قرار می‌گیرد حتی اگر ماهیت آن کاملاً مسالمت‌آمیز باشد. یکی از آسیب‌های جدی وضعیت فعلی، فقدان تفکیک روشن میان مفاهیم «اعتراض»، «تجمع غیرمجاز» و «رفتار مجرمانه» است. در حقوق، اصل بر

شخصی بودن مسئولیت و تفکیک رفتارهاست. اما در عمل مرز میان اعتراض مدنی و کنش مجرمانه اغلب مخدوش می‌شود. این ابهام نه‌تنها شهروند را دچار سردرگمی می‌کند بلکه نهاد مجری قانون را نیز در موقعیتی قرار می‌دهد که به‌جای اجرای دقیق قانون به تفسیر سلیقه‌ای متوسل شود. نتیجه تضعیف حاکمیت قانون و گسترش بی‌اعتمادی عمومی است. نادیده گرفتن امکان اعتراض قانونی صرفاً یک مسئله حقوقی نیست بلکه پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد. جامعه‌ای که امکان بیان رسمی ناراضیتی در آن محدود باشد، ناگزیر شاهد انتقال اعتراض به فضا‌های غیررسمی، کنترل‌ناپذیر و بعضاً پرهزینه خواهد بود. در چنین شرایطی ناراضیاتی‌ها انباشته می‌شوند، گفت‌وگویی اجتماعی جای خود را به تقابل می‌دهد، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی کاهش می‌یابد و قانون به‌جای مرجع حل اختلاف به عامل تنش تبدیل می‌شود.

#### نشانه ضعف حاکمیت نیست!

این درحالی است که اعتراض مسالمت‌آمیز یکی از ابزارهای تنظیم رابطه دولت و جامعه تلقی می‌شود. اعتراض، امکان شنیده شدن صدا‌های حذف شده از فرآیند تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند و به اصلاح سیاست‌ها کمک می‌رساند. برخلاف تصور رایج به‌رسمیت شناختن اعتراض، نشانه ضعف حاکمیت نیست بلکه نشانه اعتماد به ظرفیت‌های جامعه و اطمینان از کارآمدی قانون است. جامعه‌ای که مسیر اعتراض قانونی دارد کمتر دچار بحران‌های ناگهانی و پرهزینه می‌شود. در نهایت اینکه مسئله امروز، افزودن حق جدید به قانون اساسی نیست، حق اعتراض از پیش وجود دارد؛ مسئله، بازگرداندن این حق از سطح متن به سطح واقعیت است. تدوین آیین‌نامه شفاف، تفکیک دقیق مفاهیم حقوقی و تغییر نگاه از امنیت‌محوری به قانون‌محوری، می‌تواند اعتراض را از تهدید به فرصت تبدیل کند. تا زمانی که شهروند نداند چگونه می‌تواند قانونی اعتراض کند، قانون در ذهن او نه پناهگاه بلکه مانع خواهد بود و جامعه‌ای که قانون را مانع بداند، دیر یا زود هزینه آن را خواهد پرداخت.

#### شورای‌شهر

### ثبت‌نام رئیس ۸۴ساله

#### مهدی چمران بار دیگر

#### در انتخابات شورای‌شهر ثبت‌نام کرد

دیروز مهدی چمران، رئیس ۸۴ ساله شورای‌شهر تهران، برای شرکت در انتخابات شورای هتم شهر تهران ثبت‌نام کرد. با توجه به بالا رفتن سن او، انتظار می‌رفت که در این دوره رقابت انتخابات ثبت‌نام نکند اما او همچنان تمایل دارد تا بر ریاست شورای‌شهر تهران در صورتی که آرای لازم را کسب کند، تکیه بزند. همه می‌دانند که چمران به‌شعور و ریاست شورای‌شهر علاقه زیادی دارد و حتی در شورای دوم این صندلی را برای رفتن به دولت خالی نکرد. او از شورای دوم شهر تهران بر صندلی ریاست شورای شهر نشسته و تنها در سال آغازین شورای شهر چهارم، جای خود را یک سالی به احمد مسجدجامعی داد. چمران رکورددار طولانی‌ترین دوره ریاست برشورای‌شهر تهران است. اما شورای‌شهر تهران به‌جز چمران رؤسای دیگری هم داشته است. در سه‌سال و نیمی که شورای اول شهر تهران فعال بود به‌ترتیب عبدالله نوری، عباس دوزدوزانی، رحمت‌الله خسروی و محمد عطریان‌فر ریاست شورای‌شهر را برعهده داشتند که از این میان دوزدوزانی و عطریان‌فر دو بار با فاصله زمانی بر این مسند تکیه کردند. کوتاه‌ترین عمر ریاست در این دوره از آن عباس دوزدوزانی است که پس از استعفا عبدالله نوری به مدت دو ماه، رئیس شورای‌شهر تهران بود. مهدی چمران، متولد ۲۶ مرداد سال ۲۰ است. او با لیست آبادگران به شورای دوم آمد. با پیروزی محمود احمدی‌نژاد (شهردار تهران) در انتخابات ریاست جمهوری برخی تصور کردند که او راهی دولت می‌شود که این‌طور نشد. او در تمام این سال‌ها فراز و نشیب کم نداشته است. حواشی چمران در دوره اخیر شورای‌شهر تهران هم کم نبوده است. او در تمام این سال‌ها فراز و نشیب کم نداشته است. حواشی چمران در دوره اخیر شورای‌شهر تهران هم کم نبوده است؛ همین چند وقت پیش بود که از زاکانی هم برات جست. شعله بحران وقتی بالا گرفت که علیرضا زاکانی مدتی پیش پس از چند ماه غیبت، بدون دعوت رسمی در جلسه شورای‌شهر حاضر شد و اساسنامه «سازمان راهبری و پایش طرح‌های توسعه شهری» را غیرقانونی خواند و اعضای شورا را به تدلیس و تقلب متهم کرد.

او در پاسخ به شهردار که شورا را متهم به خیانت در امانت کرده بود، گفت که شورا نهاد بالاسری شهرداری است اما ملاک عمل قانون خواهد بود و شهردار حق ندارد برای شورا آیین‌نامه تدوین کند. چمران به کنایه افزود که همیشه از کارهای شهردار دفاع کرده و اکنون بابت حمایت‌هایش «مزد خوبی» گرفته است. البته زاکانی هیچ‌وقت کاندیدای مورد نظر چمران نبود و بعد از او پیروزی او با اختلاف ۳ رای برای انسجام اصولگرایان از زاکانی حمایت کرد!

## اسرائیل دنبال تغییر نظام ایران نیست

یرواند آبراهامیان، تاریخ‌نگار در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی ضمن هشدار به تکیه بر قدرت خارجی برای تغییر حاکمیت ایران به نمونه‌های معاصر آن نظیر لیبی اشاره کرد و گفت اسرائیل به‌دنبال تغییر نظام ایران نیست بلکه اسرائیل در پی تکمیل کردن ایران است چراکه برای اسرائیل کنترل کشورهای کوچک در خاورمیانه راحت‌تر است.



سازندگی:

### روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران

مدیرمسئول: امیر افتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی

علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر افتناعی

مدیرهنری: رضا دولتلزاده ● فوتو: رضا معطریان ● ویراستار: سعیده آری‌فر ● حرف‌چین: سحر خسروچری

آدرس: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پوره ۸، شماره تلفیون: ۲۲۸۴۱۲۶۲

طبع: امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۸۵۲۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰

## گزارش دولت چه شد؟

از ابتدای اعتراضات چندین بار رئیس‌جمهوری از وزیر کشور خود خواسته بود تا هم با معترضان گفت‌وگو کند و هم کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهد. با این حال صدا از دیوار درآمد از وزارت کشور هم درآمد. وزیر این وزارتخانه، نه گزارشی از دیدار با معترضان داد و نه کسی فهمید که مثلاً آن ماجرای خشونت‌آمیز بیمارستان ایلام چه بوده و پای چه کسانی در میان بوده است؟

حتی رئیس‌جمهور اخیراً نیز درباره اتفاقات اخیر خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شد تا اتفاقات چند روز اخیر بررسی و دلیل این حجم از خشونت روشن شود اما در این

## عبور قیمت گوشت از دو میلیون تومان

یک سلیت خبری نوشته قیمت گوشت قرمز هنوز تثبیت نشده اما از آنجا که عرضه آن شدت گرفته، شاهد اعداد و ارقام تازه‌ای هستیم که از فروشگاه‌ها گرفته تا قصابی‌های هر محله متفاوت است. سلیت تیک نوشته قیمت یک کیلوگرم گوشت خورشتی بین ۲ تا ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. گوشت ران گوسفندی در بازه‌ای بین یک‌ونیم تا دوونیم میلیون تومان به ازای هر کیلوگرم عرضه می‌شود. درحالی که گوشت گردن گوسفندی در محدوده یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک‌ونیم میلیون تومان فروخته می‌شود. راسته هم با قیمتی بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان جزو گزینه‌هاست. سرسنت گوسفندی هم حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. همچنین بررسی‌های فرارو حاکی از فروش گوشت چرخ‌کرده گوسفندی با قیمتی حدود یک میلیون

خصوص هم هیچ خبری منتشر نشد. معلوم نیست چرا این گزارش‌ها تهیه نمی‌شوند یا اگر تهیه می‌شوند چرا به مردم گزارشی ارائه نمی‌شود. احسان هوشمند، تحلیلگر مسائل قومی و سیاسی نیز در روزنامه شرق نوشته «در چند روز گذشته هیچ نشانی از اطلاع‌رسانی دولت و مسئولان اجرایی کشور از سلسله رویدادهای اخیر دیده نشد. در این شرایط دولت می‌توانست، گزارش تفصیلی دقیقی از روند حوادث و رویدادها منتشر کند و به تفکیک استان و شهرستان، اتفاقات و رویدادها را به شکلی به اطلاع عموم شهروندان ایرانی برساند».

۸۰۰ هزار تومان و چرخ‌کرده گوساله هم با نرخ یک‌ونیم میلیون تومان است. کوهان گوساله را هم می‌توان با قیمت ۲۵ میلیون تومان تهیه کرد که البته در برخی قصابی‌های محلی قیمت آن تا ۲ میلیون تومان هم گزارش شده است. قیمت فیلد گوسفندی در بازه ۲ میلیون و ۲۰۰ تا ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان و بهای فیلد گوساله تا ۲ میلیون تومان است. همچنین قیمت برنج از فروشگاه به فروشگاه متفاوت است و گاه تا کیلویی ۴۲۰ هزار تومان در برخی از انواع برنج کشت دوم بالا رفته است. این درحالی است که برخی از انواع برنج‌های ایرانی نیم‌دانه یا سرلاشه در بازه ۱۸۰ تا ۲۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در بخش برنج خارجی انواع پاکستانی، هندی و تایلندی در بازار موجود است که از ۱۴۰ هزار تومان آغاز شده و در بعضی موارد به کیلویی ۲۰۰ هزار تومان هم رسیده است.

## توثیت ترامپ و شروط ویتکاف

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در رسانه اجتماعی خود موسوم به «تروث سوشال» طی موضع‌گیری تازه‌ای در مورد تهران از مقامات ایرانی تشکر کرد. ترامپ نوشته من عمیقاً به این واقعیت احترام می‌گذارم که تمام اقدام‌های برنامه‌ریزی شده که قرار بود دیروز انجام شوند (بیش از ۸۰۰ مورد از آنها) توسط ایران لغو شده است. از شما تشکر می‌کنم. همچنین به گزارش الجزیره، رئیس‌جمهور آمریکا در سخنانی در پاسخ به این سوال که آیا رژیم صهیونیستی و سران کشورهای عرب منطقه او را متقاعد کرده‌اند که ایران را هدف قرار ندهد، گفته احدی مرا متقاعد نکرد. من خودم را متقاعد کردم.

از دیگر سو، استیو ویتکاف نماینده ترامپ در خاورمیانه می‌گوید از سرگیری مذاکره با ایران روی چهار موضوع خواهد بود که برای رسیدن به آنها باید به توافق برسند. او از غنی‌سازی اورانیوم، موضوع موشک‌های ایران و کاهش تعداد آن، مواد هسته‌ای واقعی که ایران وجود دارد که به گفته وی تقریباً ۲ هزار کیلوگرم اورانیوم غنی شده بین ۲.۷ درصد و ۶ درصد است همچنین نیروهای محور مقاومت که او آنها را نیابتی خوانده به‌عنوان این چهار موضوع اصلی نام برد و آنها را موضوعات اصلی مذاکره با ایران خواند. ویتکاف با ابراز امیدواری نسبت به یافتن راه‌حل دیپلماتیک درباره این موضوعات با ادبیاتی تهدیدآمیز مدعی شد، گزینه جایگزین برای توافق دیپلماتیک برای ایران بد خواهد بود.

## سیداحمد خمینی: افزایش قیمت‌ها در زندگی من بسیار اثر گذاشته

سیداحمد خمینی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در پاسخ به این سوال که از آنجایی که شما جزو دهک ۱۰ جامعه محسوب می‌شوید و از نظر جامعه از افسار تمهول هستید و سختی‌های اقتصادی کشور را احتمالاً به اندازه اقشار دیگر چندان احساس نمی‌کنید آیا این افزایش‌های اخیر بر زندگی شما هم اثری داشته و این اعتراضات مردم برای مسائل اقتصادی را قبول دارید، درباره سطح درآمدی و وضعیت زندگی‌اش گفته طبیعتاً هر کسی، اثر گرانی و تورم را به نوعی حس کرده و این شرایط برای کسی مناسب نیست و امیدواریم دولت و مسئولان همت کنند تا از این سختی‌ها عبور کنیم. وی با بیان اینکه شرایط اقتصادی غیرقابل تحمل شده است، افزود: حضور ما در این اجتماع‌ها به معنای این بود که، از رهبران حمایت می‌کنیم و حساب ما از خانن جداسات اما نسبت به وضعیت کشور اعتراض داریم. این افزایش قیمت‌ها در زندگی من بسیار اثر گذاشته اما من به شخصه در این موضوعات هیچ اهمیتی ندارم و موضوع مهم این است که مردم زیر فشار اقتصادی هستند و هر دهکی به اندازه خودش درگیر این فشار اقتصادی شده است.

برنامه‌ها هم‌خوانی ندارد. کار به جایی رسیده که سطح برنامه‌های سرگرم‌کننده صدلوسیمها به پخش گفت‌وگوی یک مجری از جنس نجم‌الدین سیرعتی با مجری دیگری از همان جنس رسیده است حتی برنامه‌های ورزشی هم از این شعارها خالی نیست.

### دولت و مجلس اصلاحات را آغاز کنند

فرهنگتگن نوشته اپوزیسیون خارج‌نشین و تروریست‌های وابسته به موساد در یک هفته اخیر تلاش کردند تا با اقدامات خشن و تروریستی، مسیر اعتراضات جامعه را منحرف کنند. برای جلوگیری از این مصادره پس از آنکه مسیر آشوب مسدود شد باید خط صحیح شنیدن و پاسخ به اعتراض در پیش گرفته شده تا ضمن بازگشت آرامش به جامعه، باب سوءاستفاده مجدد از مطالبات مردم مسدود شود. این مسیر علاوه بر اینکه نیاز به تدوین چارچوب‌های قانونی مشخص برای شنیدن اعتراضات دارد باید چشم‌اندازی از مؤثر بودن اعتراض را نیز نمایان کند. چنین چشم‌اندازی نیازمند تغییراتی در راهبردها، سیاست‌ها و حتی کارگزاران اقتصادی است که همه‌قوا باید نشانه‌های واضحی از آن را از خود بروز دهند.

برنامه‌های سیاسی این روزهای صدلوسیمها نگاهی بیندازید. هر شبکه‌ای که باز کنید، یا حسن رحیم‌پورزغدی را می‌بینید که در حال مصاحبه و قرارت یک منولوگ علیه مخالفان سیاسی خود است، یا سعید حدادیان از خاطرات خود در حوادث ۸۸ و مشابهت‌سازی آن با حوادث امروز سخن می‌گوید یا حسین یکتا برای رقبای سیاسی خود رجزخوانی می‌کند و یا مهبانان دیگری با همین گرایش فکری را مشاهده خواهید کرد. رویکرد این برنامه‌ها و مهبانان هم به‌گونه‌ای است که نمتنها هیچ گامی به سمت همبستگی ملی و کاهش اختلافات برنمی‌دارند بلکه به‌صراحت مشغول دوقطبی‌سازی، دامن زدن به آتش اختلافات و شعلهور کردن آن هستند. این رویکرد درحالی دنبال می‌شود که صدلوسیمها حتی پشت دولت را پس از اقدام اخیر خود در حذف رانت‌های مرتبط به ارز ۲۸۵۰۰ تومانی خالی کرده است در روزهای بدون اینترنت، بدون اینستاگرام و بدون تلگرام و یوتیوب، صدلوسیمها حتی در حوزه‌های غیرسیاسی نیز خوراکی برای مخاطبان خود ندارد. برنامه‌های کودک این سازمان پر شده از شعارهای سیاسی که عمده آنها اصلاً با سن و سال مخاطبان این

شده است. با این حساب تمام رویدادهای فرهنگی و هنری که پلیت‌فروشی آنها توسط سایت‌های فروش انجام می‌شود تا زمان برقراری اینترنت لغو خواهند بود.

### سرما در سراسر کشور

درحالی که سامانه بارشی دیروز جمعه از شرق کشور خارج می‌شود، ماندگاری هوای سرد در بیشتر مناطق کشور ادامه دارد و با کاهش دمای ۷ تا ۱۲ درجه رویه‌رو هستیم. بارش باران و برف نیز با صدور هواشناسی سطح نارنجی در استان کشور همراه است. علاوه بر بارش‌ها، پدیده کاهش دما را تا ۱۲ درجه را داریم. که دلیل آن نفوذ توده هوای سرد به کشور از شب گذشته است. ماندگاری توده هوای سرد تا روز دوشنبه در کشور ادامه دارد.

### نه صدا دارد و نه سیم

سایت آفتابنیوز نوشته از زمان آغاز اعتراضات و ناآرامی‌ها در کشور، بخش خبری و سیاسی صدلوسیمها مانند گذشته به‌طور کامل تحت انحصار چهره‌های همیشگی درآمده و کوچک‌ترین صدای مخالفی تحمل نمی‌شود. کافی است به

## سه مرحله آزادسازی ارتباطات و اینترنت

پیامک‌ها بعد از ۹ روز مسدودی بالاخره باز شد. از آزادی اینترنت فعلاً خبری نیست. برخی می‌گویند که بعید است تا شب عید شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، تلگرام و واتس‌آپ باز شوند. برخی امیدوارند در بهمن ماه این اتفاق بیفتد. البته اینترنت برخی از روزنامه‌ها ظاهراً از دیروز باز شده است و برخی از روزنامه‌ها می‌توانند به اینترنت جهانی وصل شوند. اما شبکه‌های اجتماعی همچنان در محاق هستند. برخی امید به‌رفع فیلتر اینستاگرام دارند زیرا با ممنوعیت آن بسیاری از کسبوکارهای کوچک لطمه دیده است. وزیر ارتباطات گفته بود: «براساس برآوردهایی که بیش از این بارها اعلام کردم، معیشت بالغ بر ۱۰ میلیون نفر در کشور به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به ارتباطات پایدار و اقتصاد دیجیتال وابسته است». مخالفان باز شدن شبکه‌های اجتماعی اصرار دارند که باز شدن شبکه‌های اجتماعی مجدداً منجر به موج جدیدی از فیلم‌ها و عکس‌ها خواهد شد. همشهری در این خصوص نوشت که دلیل قطعی اینترنت «ارتباط شبکه، معاند خارج از کشور با عوامل داخلی آنها» بود که پس از قطعی این ارتباط «به میزان قابل‌توجهی قطع شده و این موضوع به کنترل آشوب و جلوگیری از عملیات هسته‌های تروریستی کمک جدی کرده است». با این حال الان مسئولان ذی‌ربط سیاست بازگشت پلمبی را در دستور کار قرار داده‌اند. بدین شکل که در مرحله اول فعال‌سازی ارسال پیامک است. در مرحله دوم دسترسی کامل به اینترنت ملی و پیام‌رسان‌های داخلی خواهد بود و در مرحله نهای هم اینترنت بین‌الملل مجدداً برقرار خواهد شد.

## هیچ آشوبی به پا نکرد اما چشمش هدف ساچمه شد

روزنامه شرق به نقل از کلدر درمان بیمارستان فارابی نوشته است «ما بیماری داشتیم که برای اعتراض به وضعیت موجود به خیابان رفته بود و هیچ آشوبی هم به پا نکرده بود اما چشمش هدف ساچمه شد. از ترس اینکه پیگیری درمانی این ماجرا برایش دردسر‌ساز شود به بیمارستان خصوصی مراجعه کرد و به او گفته بودند که باید ۴۰۰ میلیون بپردازد». یکی دیگر از بیماران حاضر در فارابی با اشاره به روایت یکی از بستگانش در شهرستان «نی‌ریز» استان فارس تعریف می‌کند: «مردم نگران هستند در صورت مراجعه به مراکز درمانی رسمی، برایشان دردسر ایجاد شود؛ مثلاً یکی از بستگان ما که اهل نی‌ریز است در مسیر خانه بوده که خیابان شلوغ می‌شود و او هم در میانه شلوغی‌ها مورد اصابت تیر ساچمه‌ای قرار می‌گیرد. اما به جای اینکه سراغ نزدیکترین مرکز درمانی برود، همراه یکی از اعضای خانواده‌اش با خودرو به کرمان می‌رود و تازه آنجا کار درمانی را پیگیری می‌کند. چون می‌خواست جایی باشد که کسی او را نشناسد. در ساعات اولیه چشمش کمی دید داشت اما بعد از گذشت ۲۴ ساعت همان دید را هم از دست داد و پزشک به او گفت که زمان طلایی نجات چشمش را از دست داده است».

## خواندنی‌ها

### مجری آوازه‌خوان صدلوسیمها حذف شد

روزنامه خراسان نوشته ۱۲ دی ماه یکی از گویندگان زن اخبار ساعت ۲۰ در شبکه چهار، هنگام اعلام این خبر که محسن چاروشی قطعه «ای مولا» را به مناسبت ولادت حضرت علی منتشر کرده، بخش بسیار کوتاهی از این قطعه را به صورت آواز خواند سپس در ادامه خبر را اعلام کرد. پس از این اتفاق و طی ۱۰ روز گذشته از ۱۴ دی تا ۲۳ دی ماه، گوینده مذکور از اخبار ساعت ۲۰ شبکه چهار حذف شده و دو گوینده دیگر این بخش خبری را می‌خوانند. پس از این موضوع همچنین اجرای لالایی به صورت تک‌خوانی توسط یک خواننده زن در شبکه یک، مهبان جبلی رئیس صدلوسیمها گفته «دریاره بخش صدای خانه‌ها ضوابطی داریم، تذکر هم می‌دهیم گاهی رعایت نمی‌شود اما ضوابط ما تغییر نکرده است».

### اثرات اعتراضات در سالن‌های نمایش

سالن‌های مجموعه تئاتر شهر تا اطلاع ثانوی نمایش‌های در حال اجرا را میزبانی نخواهند کرد. دلیل این اتفاق جدا از وقایع رخ داده و ناآرامی‌های روزهای گذشته، قطعی اینترنت و عدم امکان خرید بلیت توسط مخاطبان اعلام